

## هشدار!

(... دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

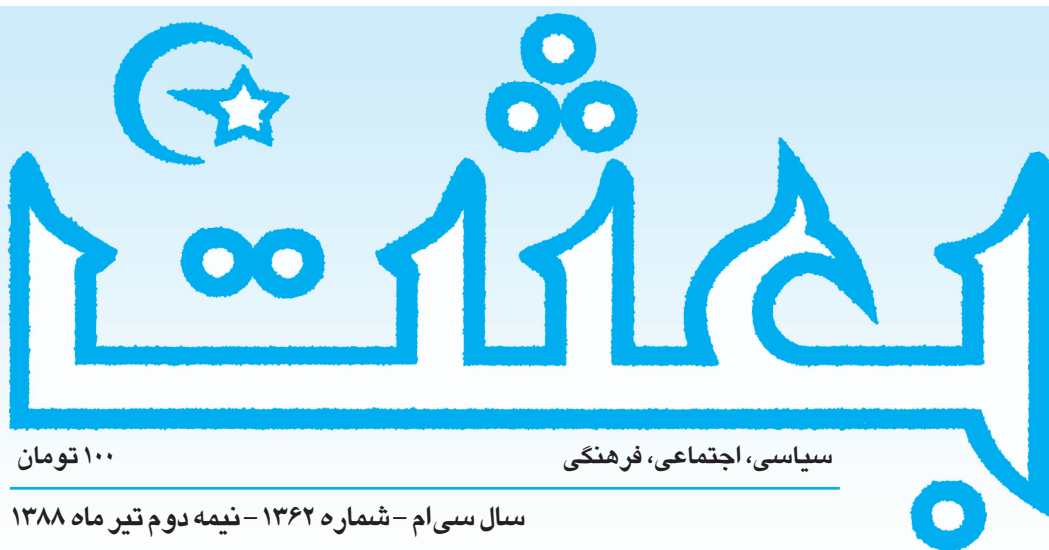
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



۱۰۰ تومان

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

سال سی ام - شماره ۱۳۶۲ - نیمه دوم تیر ماه ۱۳۸۸

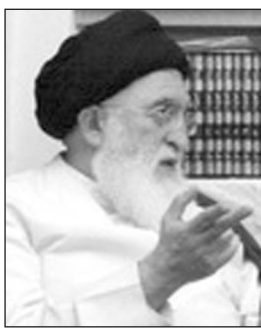
مشروح سخنان آیت الله رضا استادی در خطبه‌های نماز جمعه قم:

# مگر شما چه کاره هستید که هر وقت یک بار در قم آشوب درست می کنید؟



آشنایی بیشتر با یادگار ارزشمند  
آیت الله العظمی بروجردی (ره)

کتابخانه مسجد  
اعظم؛ گذشته،  
حال، آینده



صفحه ۱۱

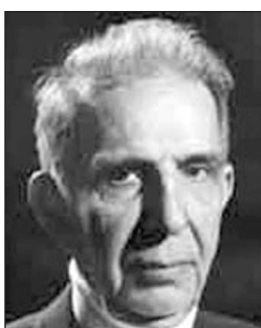
به آسید محمود  
بگو پس فردا  
نماز جمعه  
بخواند



صفحه ۹

نگاهی به زندگی علمی و تلاش  
فرهنگی دکتر حسین رزمجو

عمری  
در تکاپو



صفحه ۶

اکثر علمای اهل سنت  
معتقدند

حضرت زهرا (س)  
دارای وسیع ترین  
شفاعت است



صفحه ۱۲

عوامل تزلزل  
جامعه از دیدگاه  
آیت الله  
امامی کاشانی



صفحه ۲

دروغگو بودن تو کافی است هر چه می شنوی نقل کنی اگر چیزی در مورد کسی می شنوی، از خودش سؤال کنید، از نزدیکانش می شود سؤال کرد. اینطور جامعه تحت تأثیر قرار بگیرد و آن وقت دشمن استفاده کند و بوق‌های خارج، شایعه درست کنند و آن آقا در خیابان به آن یکی می گوید و در مغازه به آن یکی می گوید. در تاکسی و اتوبوس به این و آن می گوید و در جامعه پرمی شود.

مطلب دیگر اینکه باز هم از مصادیق تقواست و هم مقداری به حوزه علمیه قم ارتباط دارد و آن اینکه حوزه مبارکه قم حوزه‌ای است که مراجع تقلیدی در آن هستند و مسئولانی دارد و شورایی دارد و مدیری دارد و جامعه مدرسین دارد. نمی شود در حوزه علمیه هر کسی خودسر از هر گوشه، هر کاری خواست انجام بدهد به خیال خودش به حمایت از رهبری.

آخر در حوزه‌هایی که مراجع و مسئولان هستند نباید لاقول یک مشورتی بشود؟ نباید اگر می خواهند یک کاری انجام دهند ببینند بزرگان حوزه راضی هستند یا راضی نیستند؟ این کارهایی که خودسر انجام می شود ممکن است شخص خیال کند که در حال خدمت است ولی گاهی معلوم می شود که خدمت نبوده بلکه خیانت است.

ادامه در صفحه ۳

می شنوم برای دیگران نقل کنم؟ آیا درست است اگر چیزی را کسی گفت که درستی آن را نمی دانیم، یا گاهی هم با قرآنی می دانیم که درست نیست ولی شایعه پراکنی کند و برای دیگران نقل کند، با این وسائلی که در اختیار است به این طرف و آن طرف منتقل کند، به افراد زیادی منتقل کند؟ آنکه شایعه را می سازد، بی تقوایی می کند. آنکه شایعه را پخش می کند، بی تقوایی می کند. آنکه شایعه را می پذیرد، بی تقوایی می کند. آنکه خدای ناکرده ترتیب اثر می دهد، بی تقوایی می کند، تقوا ایجاب می کند نه شایعه ساز باشیم، نه شایعه پخش کن و نه شایعه را قبول کنیم و نه ترتیب اثر بدهیم. در طول تاریخ این شایعه و شایعه سازی چه ضررها و زیان‌هایی برای ما داشته است.

آخر چرا باید اینطور باشد؟ چرا باید یک جامعه اسلامی اینطور تحت تأثیر شایعه باشد؟ چرا بعضی‌ها توجه ندارند، چیزی را نمی دانند و تحقیق نکرده و خبر ندارند و برای دیگران می گویند و عرض کردم که با این وسائلی که هست در اختیار صدها نفر می گذارند که هم اصلش بی تقوایی است و هم پخشش بی تقوایی است و هم پذیرش بی تقوایی است و هم ترتیب اثر دادن به آن بی تقوایی است.

در روایات ما اینطور آمده: «کفی بک کذبا آن تحدث بکل ما سمعت» برای

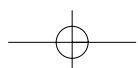
آیت الله رضا استادی امام جمعه موقت قم در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته این شهر گفت: حوزه علمیه قم مدیر، شورای مدیریت مراجع تقلید و جامعه مدرسین دارد؛ هر کسی خودسرانه از هر گوشه‌ای به نام حوزه نباید کاری انجام دهد.

وی اظهار داشت: در حوزه علمیه که مسئولان و مراجع تقلید هستند، عده‌ای بدون مشورت با بزرگان حوزه به بهانه حمایت از رهبری دست به کارهایی می زنند که خیانت است.

وی گفت: مگر شما چه کاره هستید که هر چند وقت یکبار در قم آشوب درست می کنید؟ فکر می کنید رهبری را تقویت می کنید این تضعیف رهبری است. مشروح سخنان ایشان بدین شرح است:

در این خطبه باز چند مطلب را به عنوان مصداق تقوا ذکر می کنم که اگر رعایت شود تقواست و اگر رعایت نشود بی تقوایی است. مسئله اول شایعه است. شایعه مسئله‌ای است که در شرایط خاصی چه ضرر و زیانی دارد. کسانی که شایعه را درست می کنند گاهی دشمنان هستند. دشمن از خارج یا داخل گاهی هم بعضی از دوستان از روی نادانی به شایعه می پردازند. آن کسی هم که شایعه را درست می کند، کار خلاق دارد انجام می دهد.

حالا درست کرد، چرا من وقتی از آن





مراجع تقلید و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم:

## جهان اسلام از حقوق مسلمانان چین دفاع کند

و خواهران مسلمان خود را تنها نگذارند. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز در بیانیه ای حوادث خونبار ایالت سین کیانگ چین را تاسف آور خواند و خواستار رعایت حقوق شهروندی مسلمانان این کشور شد.

در این بیانیه آمده است: حوادث خونبار چند روز گذشته در ایالت سین کیانگ چین که منجر به کشته شدن بسیاری از مسلمانان این کشور و تعطیلی مساجد توسط عده ای نژاد پرست گردید موجب تاسف و تأثر فراوان گردید.

این حادثه در ایالتی به وقوع می پیوندد که تقریباً یک ششم وسعت جغرافیایی چین و اکثریت قابل توجهی از مسلمانان را به خود اختصاص داده است.

در ادامه بیانیه تصریح شده است: گر چه دولت چین این کشتار فجیع را یک درگیری قومی خوانده است؛ اما اخبار حکایت از دخالت دولت و جانبداری از گروهی خاص و نژادپرست در این غائله دارد.

در پایان بیانیه با تأکید بر لزوم برخورد مسئولانه دولت چین نسبت به حقوق شهروندی مسلمانان آمده است: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ضمن تاسف و تأثر فراوان از دولت چین می خواهد با برخورد قاطع و مسئولانه نسبت به حقوق شهروندی مسلمانان به این غائله پایان داده و وزارت امور خارجه نیز تارسیدن به نتیجه نهایی موضوع را از طریق دیپلماتیک پیگیری نماید.

شدید هر مسلمان و انسان آزاده ای است. این منطقه که در غرب چین واقع شده و تقریباً یک ششم مساحت چین را تشکیل می دهد اکثریت قاطع اهالی آن مسلمانند تنها گروه کوچکی از نژاد "هان" از کمونیستها در آنجا زندگی می کنند. این منطقه صنعتی و حاصلخیز اخیراً محل شدیدترین درگیریها بین مسلمانان و گروه نژادپرست هان واقع شده است گرچه دولت چین آن را یک نزاع قومی قلمداد می کند ولی حمایت دولت از گروه مخالف و سرکوب شدید مسلمانان و تعطیلی مساجد آنها همه حکایت از این دارد که توطئه ای بر ضد مسلمین منطقه در جریان است.

درست است که دولت و ملت چین روابط دوستانه و نزدیکی در امور اقتصادی و سیاسی با ما و سایر کشورهای اسلامی دارند ولی این دلیل بر آن نمی شود که برادران و خواهران مسلمان ما را در آن منطقه به وضع فجیعی سرکوب کنند و ما خاموش بنشینیم.

ما ضمن محکوم کردن شدید این سرکوب ها از همه مسلمانان و تمام آزادگان جهان دعوت می کنیم که اعتراض شدید خود را نسبت به این حرکت غیر دوستانه اظهار دارند و یک صدا از دولت چین بخواهند که به این وضع خاتمه داده و مجرمان را مجازات کنند.

مردم از مسئولان دولت جمهوری اسلامی نیز انتظار دارند در این مورد سکوت نکنند و موضع قوی مناسبی بگیرند و برادران

ایشان با اشاره به کشتار و استضعاف شدید مسلمانان چینی اظهار داشتند: از مجامع بین المللی و مدعیان دفاع از حقوق بشر می خواهیم که این دوگانگی ها و سیاست بازی ها را در مساله حقوق بشر کنار بگذارند و انسان ها را به دو بخش مخالف و موافق غرب تقسیم نکنند و وضع حقوق بشر در چین را نادیده نگیرند.

ایشان افزودند: انسان ها در همه جا باید از حقوق انسانی خود برخوردار باشند و مورد ظلم و ستم و سلب حقوق خود قرار نگیرند. مرجع تقلید شیعیان در پایان سخنان خود از وزارت امور خارجه نیز خواستند که در مقابل کشتار مسلمانان بی دفاع چین موضع گرفته و اعتراض نمایند و وظیفه اسلامی و انسانی خود را به بهترین وجه انجام دهند.

همچنین آیت الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید با انتشار بیانیه ای ضمن محکوم کردن کشتار مسلمانان در چین از همه مسلمانان و تمام آزادگان جهان دعوت نمودند تا اعتراض شدید خود را نسبت به این حرکت غیر دوستانه اظهار دارند و یک صدا از دولت چین بخواهند که به این وضع خاتمه داده و مجرمان را مجازات کنند. متن بیانیه آیت الله مکارم شیرازی به شرح زیر می باشد:

بسم الله الرحمن الرحيم  
اخبار وحشتناکی که از ایالت سین کیانگ چین درباره کشتار وسیع و سرکوب مسلمانان این منطقه منتشر شده است موجب تاسف

## عوامل تزلزل جامعه از دیدگاه آیت الله امامی کاشانی

تماس داشتم و درباره برگزاری آن توضیحات مختلفی میان دو طرف رد و بدل می شد.

آیت الله امامی کاشانی خطاب به قوه مقننه و نمایندگان مجلس گفت: از این قضایا باید تجربه اندوخته شود و هر جا که فکر می کنیم در قانون مشکلی هست باید قانون بگذرانیم و اشکال را رفع کنیم تا اینگونه مسائل رخ ندهد.

او با اشاره به برگزاری مناظره های تلویزیونی میان نامزدها افزود: به عنوان مثال مجلس می تواند چارچوب مناظره ها را تعریف کند و اگر چارچوب مشخص شود برخی از مسایل بوجود نخواهد آمد.

خطیب نماز جمعه تهران با بیان اینکه اخیراً شنیده ام دولت در حال ارائه لایحه ای با عنوان قانون انتخابات به مجلس است، گفت: اگر در این لایحه چارچوب های مناظره ها و همچنین اجرای قانون و نوع تبلیغات گنجانده شود بسیاری از ناملایمات کم می شود و حتی به صفر می رسد.

آیت الله امامی کاشانی با اشاره به اینکه حفظ آرامش کشور در پشتیبانی از ولایت فقیه است، افزود: به کسانی که سخنرانی می کنند و می نویسند توصیه می کنم به خاطر خدا به حرف های رهبر معظم انقلاب گوش کنند. او با اشاره به سخنان اخیر معظم له درباره انتخابات اضافه کرد: وقتی رهبر انقلاب به صراحت آحاد جامعه را به وحدت و همدلی دعوت می کند، چرا برخی به خود اجازه می دهند هر جور می خواهند بنویسند، مصاحبه و سخنرانی کنند.

دوره های بعدی و انتخابات مجلس شد و افزود: لازم است این عوامل بررسی و در انتخابات آینده لحاظ شود.

خطیب نماز جمعه تهران با اشاره به حوادث تلخ پیش آمده در کنار حضور گسترده مردم در این دوره از انتخابات اضافه کرد: سوالی که باید به آن پاسخ داده شود این است که چرا این حوادث تلخ پیش آمد؟

او با اشاره به بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران و در سالروز میلاد حضرت علی (ع) افزود: بیانات حکیمانه ایشان نشانگر ضرورت رهبری در اسلام است.

خطیب نماز جمعه تهران با اشاره به سخنان معظم له درباره لزوم شناسایی دوست و دشمن گفت: دشمنان کسانی هستند که در انتخابات به هیچ کس رای ندادند و با پول رژیم صهیونیستی و آمریکا غائله راه انداختند.

آیت الله امامی کاشانی افزود: اما چهل میلیون نفری که در انتخابات شرکت کردند، هیچ کدام دشمن نبودند حالا ممکن است یک دانشجویی هم آمده و کاری کرده است، اما او هم دشمن نیست، بلکه اینها همه برادر و خواهر و یک ملت هستند. او گفت: اگر کسی در انتخابات حرف و اشکالی دارد و معتقد است که اشکال بر قانون است می توان قانون را اصلاح کرد.

خطیب نماز جمعه تهران با اشاره به تجربه خود در شورای نگهبان و بخصوص در امر انتخابات اضافه کرد: بنده خود در زمان نخست وزیری مهندس میرحسین موسوی درباره انتخابات با وی

نمی تواند بگوید که از دیگری بهتر است ملاک بهتر بودن رابطه با خداست که کسی از آن خبر ندارد. آیت الله امامی کاشانی با توصیه به پرهیز از عیب جویی و با اشاره به فرصت طلبی های دشمنان انقلاب اسلامی گفت: نباید به دشمنان انقلاب بهانه ای برای بزرگنمایی مشکلات داد.

### خطبه دوم

آیت الله امامی کاشانی در خطبه دوم نماز جمعه تهران نیز گفت: در کنار برگزاری انتخابات ۲۲ خرداد، حوادث بسیار تلخی پیش آمد که برای کشور غمناک و ناگوار و برای دشمن جشن و سرور بود.

خطیب نماز جمعه تهران افزود: این انتخابات نشان داد که می شود ۴۰ میلیون در انتخابات شرکت کنند و حتی بیشتر از آن نیز امکان پذیر است، بنابراین باید درس گرفت که چه عواملی این سرور و نشاط را در جامعه ایجاد می کند.

او با بیان اینکه تنوع نامزدهایی که در درون نظام و با قبول قانون اساسی در انتخابات شرکت کردند، یکی از عوامل حضور گسترده مردم بود، تصریح کرد: در کنار تنوع، تذکر و توجه دادن مقام معظم رهبری در حضور گسترده مردم اهمیت ویژه ای داشت.

آیت الله امامی کاشانی، مردم ایران را باهوش و بیدار توصیف کرد و گفت: مردم می دانند که هر چقدر در انتخابات بیشتر حضور یابند در دنیا عزتشان بیشتر می شود و بیگانگان را مایوس می کنند.

او خواستار ادامه این روند در انتخابات

دو تن از مراجع عظام تقلید و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم کشتار مسلمانان در ایالت "سین کیانگ" چین را محکوم نموده و جهان اسلام را به دفاع از حقوق مسلمانان مظلوم و بی دفاع چین فرا خواندند.

حضرت آیت الله صافی در دیدار جمعی از طلاب با اشاره به حوادث غمبار کشور چین که موجب به خاک و خون کشیده شدن جمعی از مردم مظلوم و بی دفاع مسلمان این کشور گردید وضع اسفبار و رعایت نشدن حقوق عادی بشری در این کشور را محکوم کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله صافی ایشان همچنین با اشاره به کشته شدن یک زن مسلمان مصری در آلمان به جرم داشتن حجاب اسلامی این حوادث ضدبشری و ضداسلامی را محکوم نمودند.

آیت الله صافی به اتحاد و همکاری جوامع اسلامی در صحنه بین الملل اشاره کردند و فرمودند: از کشورهای اسلامی می خواهیم که در این تجاوزات که در گوشه و کنار دنیا به حقوق مسلمانان می شود عکس العمل نشان داده و هیچ تبعیض و تفاوتی قایل نشوند.

ایشان ادامه دادند: باید به طور مناسب و موثر اعتراض نموده و تجاوز به حقوق مسلمانان در هر کجا و هر کشوری که باشد محکوم نمایند و با مسلمانان چه چینی باشد یا اروپایی یا از هر جای دیگر همدردی نمایند.

خطیب جمعه تهران با بیان این که دادن لقب های زشت به دیگران موجب تزلزل جامعه می شود، گفت: افرادی که در فکر عیب جویی از دیگران هستند، جامعه را متلاشی می کنند.

به گزارش واحد مرکزی خبر، آیت الله امامی کاشانی در خطبه اول نماز جمعه دیروز تهران با اشاره به وظیفه همه افراد جامعه برای ایجاد آرامش در جامعه اسلامی گفت: جامعه وقتی به سمت سعادت حرکت می کند که در آن عدالت باشد و جامعه اسلامی وقتی می تواند عدالت را پیاده کند که بین امت اسلام همدلی و هم رنگی وجود داشته باشد. او با اشاره به آیات قرآن کریم مردم را به رعایت بیشتر مسائل اخلاقی توصیه کرد و گفت: دادن لقبهای زشت به دیگران موجب تزلزل جامعه می شود.

خطیب نماز جمعه تهران افزود: براساس آیه قرآن کریم افرادی که تحقیر می کنند، استهزا می کنند و در فکر عیب جویی از دیگرانند، جامعه را متلاشی می کنند اما فکر می کنند آدمهای خوبی هستند در حالی که چه بسا قومی که شما عیبشان را می گوئید از خود شما بهتر باشند.

آیت الله امامی کاشانی با اشاره به انتخابات ۲۲ خرداد گفت: این جمعیت که پای صندوق های رای آمده اند همه یک صف بودند، یک دل داشتند و همه برای سعادت کشور حرکت کردند و هر چهار نامزد ریاست جمهوری نیز دارای همین روحیه بودند.

خطیب نماز جمعه تهران گفت: کسی

مشروح سخنان آیت الله رضا استادی در خطبه‌های نماز جمعه قم:

## مگر شما چه کاره هستید که هر وقت یک بار در قم آشوب درست می کنید؟

ادامه از صفحه اول

من یک موردی را از باب مثال لازم می دانم عرض کنم. انتخابات انجام شد، بحمدلله در استان قم و شهر قم از بیشترین شرکت‌ها در انتخابات بود. انتخابات تمام شد و بحمدلله از افتخارات این استان و مثل بسیاری از استان‌ها هیچ اعتراضی هم نشد و روز بعد انتخابات آرام و آرام بود و هیچ کسی اعتراضی نکرد و نباید هم اعتراض می کردند و روز دوم هم گذشت. روز سوم یک روحانی می گوید ما می خواهیم راهپیمایی کنیم و می خواهیم علیه یک شخصیتی در خیابان راه بیفتیم و شعار بدهیم. استاندار می گوید ما مخالفیم اما او گوش نمی دهد. معاون استاندار می گوید ما مخالفیم و گوش نمی دهد.

جامعه مدرسین هم می گوید ما مخالفیم و او گوش نمی دهد. دفتر مقام معظم رهبری هم می گوید ما مخالفیم و او گوش نمی دهد و جمعی را در خیابان راه می اندازد. بدانند همه کسانی که آن روز جمع شدند و شعار دادند باید استغفار کنند و باید توبه کنند ولی چرا این آقایان کار را خودسر انجام می دهد و کسی هم نیست با او حرف بزند؟ چرا این را احضرا نمی کنند که شما چه کاره‌ای؟ که هر چند وقت یکبار یک آشوبی به راه می اندازی؟ خب حوزه یک سر و سامانی دارد. می بینیم که کار انجام می شود و بعد رهبری راضی نیست و اینها خیال می کنند در حال تقویت رهبری هستند ولی این کار تضعیف رهبری است. راضی نیست و اظهار ناراضیتی

گوشه‌ای یک طوماری درست کند، این درست باشد. همه درسوزان می گویند: اتحاد اما یک کسی یک طومار درست می کند تا اختلاف درست کند. نباید این کار را انجام دهیم و من هم نباید الان تند شود. بنده جز خیر قصد دیگری ندارم.

یک جمله‌ای هم بنده راجع به خودم عرض کنم که سال قبل در بیمارستان قلب قم و تهران بستری بودم و بعد این حوادث اخیر روی من فشار آورده و بنا شده که تا چند ماه یعنی تا محرم نه منبر بروم و نه سخنرانی کنم و نه درس و نه خطبه نماز جمعه و نه هیچ کاری که فشار بر اعصاب و قلبم بیاورد، نمی توانم انجام دهم لذا با کمال معذرت عرض می کنیم که تا لااقل محرم من از آمدن به نماز جمعه معذورم.

می کند و عرض کردم که دفتر مقام معظم رهبری می گویند ما مخالفیم ولی این آقا گوش نمی دهد بعد هم نه دادگاهی و نه هیچ جایی که این شخص را احضار کنند که شما چه کاره بودید و برای چه این جمعیت را راه انداختی؟ برای چه از احساسات پاک طلاب استفاده کردی؟ اینجا حوزه علمیه است و اینجا، جایی نیست که هر کسی بخواهد کاری بکند.

من همین جا این سفارش را می کنم که این طومارهایی که امضا می کنید، عزیزان من اول ببینید که متن طومار را چه کسی تهیه کرده و آنهایی که امضاء کرده‌اند، اگر مورد اطمینان شما نیستند، اگر شخصیت‌های شناخته شده هستند، اگر اعتماد دارید، امضاء کنید. اینطور نیست که هر کسی از هر

مسئول دبیرخانه کتاب سال حوزه اهداف همایش سالانه کتاب حوزه را تشریح کرد:

## گسترش دانش مکتوب در حوزه‌ها

کتاب سال حوزه ارسال می شود این روند صعودی در همه رشته‌ها و گرایش‌ها مشاهده می شود.

**آیا گروهی هم به این گروه‌های تخصصی اضافه کرده‌اید؟**

بله، گروهی تحت عنوان تکنولوژی آموزشی به گروه‌های این همایش اضافه کرده ایم تا بدین ترتیب بخشی از کتب آموزشی که در میان حوزویان است و بیشتر جنبه ترویجی دارد را در چند سال اخیر برایشان گروهی را در نظر گرفته ایم تا در آنجا به بررسی آثار آنها بپردازیم.

**ارزیابی آثار ارسالی به همایش کتاب سال حوزه به چه صورت انجام می شود؟**

برگه‌های داوری و ارزیابی آثار ارسالی به همایش کتاب سال حوزه در پنج سطح تعیین شده است. یک سطح مربوط به آثار علمی و پژوهشی است، سطح دیگر علمی ترویجی و سطح دیگر ترجمه، سطح دیگر تصحیح و تحقیق و سطح دیگر هم مربوط به ویژگی‌های ادبی و دستوری آثار است که هر یک سطوحی را در بر می گیرد و تقریباً می شود گفت که تمام سطوح پژوهشی را در این سطوح ملاحظه کرده ایم.

**همایش کتاب سال حوزه چگونه طلاب**

**حوزوی را به تحقیق و پژوهش ترغیب می کند؟**  
همایش کتاب سال حوزه و ارزیابی آثار این همایش جنبه رقابتی به معنای خاص ندارد. داوران بعد از ارزیابی آثار ارسالی در هر گروه و گرایش، افرادی را معرفی می کنند. دبیرخانه همایش کتاب سال حوزه اعلام کرده است که هر کس که حداقل امتیاز لازم را به دست بیاورد به عنوان برترین اثر معرفی می شود.

**به طور میانگین در هر گروه آموزشی در هر همایش چند اثر برگزیده معرفی می شود؟**

در برخی از گروه‌های آموزشی اثری به عنوان اثر برتر معرفی نمی شود و بدین ترتیب در برخی از گروه‌ها اصلاً برنده‌ای معرفی نمی شود و در برخی گروه‌ها چهار تا پنج برگزیده در هر همایش معرفی می شود. این به دلیل آن است که اثری که معیار و استاندارد مورد نظر داوری همایش کتاب سال حوزه را داشته باشد به عنوان اثر برگزیده کتاب سال حوزه از سوی دبیرخانه معرفی می شود.

**آیا این ۱۲ گرایش از ابتدای برگزاری این همایش وجود داشته است؟**

در ابتدا به دلیل ساده بودن کار و سطح پایین آثار رسیده این گروه‌ها وجود نداشت و فرم داوری آثار یک فرم بیشتر نبود و تعدد فرم داوری وجود نداشت. ولی در طول سالیان سال و با تغییر شرایط و بالا رفتن مطالعات ما در ارزیابی آثار و شاخصه‌هایی که به دست آوردیم، شش سال است که گروه‌های داوری این همایش تجهیز شده و برگه‌های داوری متعدد در حدود چهار سال است که در چرخه داوری و ارزیابی ما جای گرفته است.

**چه مراحل طی می شود تا یک اثر به عنوان اثر برگزیده کتاب سال حوزه معرفی شود؟**

مراحل ارزیابی ما شامل چند مرحله است. مرحله اول ما این است که پس از اینکه کتاب‌ها جمع آوری و آثار ثبت می شود، اولین قدم این است که مدیر گروه علمی و مسؤول دبیرخانه به همراه دبیر کمیته علمی و چند کارشناس تخصصی همان رشته، کتاب‌ها را بازبینی کنند و این مرحله همان ارزیابی مقدماتی است.

**آیا در مرحله مقدماتی آثار حذف می شوند؟**

اگر در مرحله ارزیابی مقدماتی، اثر ارسالی حداقل‌های پژوهشی را نداشته باشد از دور داوری حذف می شود. اما در همانجا کارشناسان داوری ما نگاه می کنند که این آثار می توانند حداقل نمره داوری را بیاورد یا نه. آن آثار که در ارزیابی مقدماتی باقی می ماند به مرحله بعد داوری که به آن مرحله داوری تخصصی می گویند راه می یابند.

**مرحله داوری تخصصی آثار ارسالی به همایش کتاب سال حوزه چگونه است؟**

در مرحله تخصصی، داوران در طول یک تا دو ماه آثار رسیده را داوری می کنند. در این مرحله، داور نظر داوری خود را با ارزیابی کتبی به دبیرخانه می دهد. آثار راه یافته به مرحله دوم داوری، آثاری هستند که نمره برگزیدگی را آورده‌اند.

**مرحله بعد چه مرحله‌ای است؟**

در این مرحله که مرحله بررسی آثار توسط شورای نهایی داوری است، شورای نهایی داوری تنها کتاب‌های برگزیده را ارزیابی می کنند. اگر در شورای نهایی داوری، اثری تایید شود به عنوان اثر برگزیده معرفی می شود. اگر اثری هم دچار ابهام باشد به داور سوم معرفی می شود. کتاب‌هایی که در شورای نهایی داوری تایید شوند به عنوان کتاب برگزیده معرفی می شوند.

**آیا امتیاز خاصی به آثار برگزیدگان همایش کتاب سال حوزه داده می شود؟**

تا دهمین دوره تنها از آثار برگزیده تجلیل و هدایایی را به عنوان یاد بود به آنها اعطا می شد و اسامی آنها را به بخش‌های مختلف حوزه برای اعطای امتیازات دیگر مانند استفاده از امکانات مسکونی که حوزه به طلاب می دهد و وام و کمک‌هایی که بخش‌های دیگر حوزه به آنها می دهند و اگزار می کردیم. امسال یعنی در یازدهمین دوره همایش کتاب سال حوزه بحث حمایت از آثار برگزیده‌ها را داریم. به همین منظور معرفی آثار به بخش‌های مختلف حوزه برای استفاده و رایزنی با مراکز دیگر برای دادن امتیاز به برگزیدگان این همایش را در دستور کار خود قرار داده‌ایم.

**تحقیق و پژوهش از وظایف حوزویان است. چه لزومی بوده معاونت پژوهشی چنین همایشی را همه ساله برگزار کند؟**

در حوزه یک خلا پژوهشی را داشتیم. حوزویان اکثراً گرایش دانش‌های شفاهی را دارند و در این حوزه پیشرفت کرده‌اند. اما آثار کمتری را به صورت مکتوب تالیف می کردند. حوزه از دو جهت این کار را گسترش داد؛ یکی از طریق پایان‌نامه نویسی و دیگری از طریق تجلیل از تالیفات حوزوی در همایش کتاب سال حوزه.

**در مجموع ۱۰ دوره قبلی همایش کتاب سال حوزه چند اثر به عنوان اثر برگزیده معرفی شده است؟**

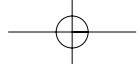
آمار دقیقی ندارم. ولی حدوداً اگر بخواهم بگویم ما تقریباً در حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ اثر را در ۱۰ سال گذشته در همایش کتاب سال حوزه به عنوان برگزیده داشته‌ایم.

**از این تعداد چند اثر مربوط به دهمین همایش کتاب سال حوزه است؟**

در دهمین همایش کتاب سال حوزه تقریباً ۲۲ عنوان برگزیده و شایسته تقدیر از سوی دبیرخانه معرفی شد.

**پیش بینی می کنید در یازدهمین همایش چه تعداد اثر به دبیرخانه ارسال شود؟**

پیش بینی من این است که در یازدهمین دوره این همایش ۲۵ تا ۳۰ اثر برگزیده را داشته باشیم و امسال در حدود هزار و ۲۰۰ تا ۲۵۰ اثر به دبیرخانه ارسال شود.



## مردان تاریخ و تهمت‌ها

من بیش از بیست سال ایشان را می‌شناختم و بر خلاف آنچه این بی‌انصاف‌ها در سرتاسر کشور تبلیغ کردند و "مرگ بر بهشتی" گفتند من او را یک فرد متعهد مجتهد متدین علاقمند به ملت علاقه‌مند به اسلام و به درد بخور برای جامعه خودمان می‌دانستم. (۵)

حضرت امام خمینی با توجه به این که در کنار شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی که لبه تیز پیکان‌های کینه و نفاق و خدعه و نیرنگ‌سینه او را نشانه‌رفته بودند حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به معارضه با دشمن اهتمام داشتند و به طور طبیعی در معرض هجوم دروغ و تهمت و ترور فکری واقع می‌شدند شناخت دقیق و کامل خویش از این سه یاور و همراه در عرصه‌های مبارزات طولانی علیه خصم را باین عبارات کوتاه و در عین حال دارای پیام‌های بلند اعلام نمودند:

"من آقای خامنه‌ای را بزرگش کردم. من آقای هاشمی را بزرگ کردم من آقای بهشتی را بزرگش کردم... (۶)

مظلومیت شهید بهشتی از وقایع تلخ و دردناک تاریخ معاصر است. این مظلومیت مکرر مظلومیت عالمان فرهیخته و انقلابی و نستوهی همچون فقیه مجاهد آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری است.

از شگفتی‌های تاریخ این است که شهید شیخ فضل‌الله نوری همچون شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی شهید "جهل مردم" شد! و این دو مظلومیت در امتداد تاریخ خونبار تشیع و تداوم مظلومیت و غربت ائمه‌دین (ع) تکرار گردید.

شیخ فضل‌الله نوری چه می‌گفت و چه می‌خواست جز مشروطه‌ای که خاستگاه آن قوانین شرع مقدس اسلام باشد همان گونه که از ابتدای شکل‌گیری مشروطه مینا و اساس همین بود و به مرور توسط عوامل استعمار انگلیس تحریف شد!

مردمی که در اثر اغواگری و ترویج دروغ و تهمت و با ایجاد جنگ روانی و ترور فکری توسط دشمنان آگاه و دوستان نادان به مخالفت علیه شیخ شهید و معارضه با او پرداختند مسلمان بودند و اهل قبله و نماز و دعا! اما مسلمان‌هایی که از معرفت دینی و شناخت اسلامی بی‌بهره بودند و از دیانت به ظاهر آن بسنده می‌کردند و نمی‌فهمیدند که شیخ فضل‌الله چه می‌گوید و درد او چیست و چرا تا پای جان و اهدای خون خویش به راه خود ادامه می‌دهد.

همین جهل و نادانی مردم مسلمان آفت دین و بلاى جان اسلام و روحانیت شد و به تعبیر امام خمینی: "تا آنجا که مثل مرحوم شیخ فضل‌الله نوری در ایران برای خاطر این که می‌گفت باید مشروطه مشروع باشد و آن مشروطه‌ای که از غرب و شرق به ما برسد قبول نداریم در همین تهران به دار زدند و مردم هم پای او رقصیدند یا کف زدند!" (۷)

مظلومیت شهید بهشتی تکرار مظلومیت شیخ فضل‌الله نوری است. مردمی که بسترها و زمینه‌های تحقق مظلومیت دردناک شهید بهشتی را فراهم آوردند نیز مسلمانان و اهل دیانت و عبادت بودند لکن دیانت آمیخته با جهل و جمود و به دور از آگاهی و بینش.

ادامه در صفحه ۵

مورد تهاجم قرار گیرند.

طبیعی است که این تهاجم آشکار و همانند معارضه "کفر" و "ایمان" نخواهد بود که در این نوع مبارزه چهره دوست و دشمن و جبهه حق و باطل مشخص است و به راحتی و سهولت می‌توان این دورا از هم جدا و تفکیک نمود. بلکه در این معارضه باطل به حق نزدیک می‌شود و با آن می‌آمیزد و رنگ و صبغه اسلامی به خود می‌گیرد و به طور کامل "حق" می‌نماید! همچنین دشمن لباس دوست به تن می‌کند و در کسوت دیانت می‌رود و سنگ اسلام به سینه می‌زند و در جای خود اظهار دلسوزی شدید می‌کند و اشک تمساح می‌ریزد!

بدیهی است در چنین شرایطی تشخیص حق از باطل و دوست از دشمن مشکل است و نمی‌توان به سرعت و به طور صریح جبهه توحید را از جبهه شرک جدا کرد. همین جاست که "نفاق" رخ می‌نمایند و ضربه می‌زند و جامعه اسلامی و مردم مسلمان بی‌درپی زیان و آسیب می‌بینند و مرتب با ضربات مهلک مواجه می‌شوند و نمی‌دانند که این ضربه‌ها از کیست و از کجاست!

خطر بزرگ نفاق در ابعاد و جلوه‌های گوناگون - همچون نفاق فکری عقیدتی فرهنگی و سیاسی - از همین جا آغاز می‌شود که باطل در لباس حق می‌رود و کفر ادعای ایمان می‌کند و از این بالاتر تقدس و زهد و اظهار پاک‌پاکی از جانب کسانی که در فسق و ناپاکی محض زیسته و پرورش یافته‌اند به صورت یک حربه و فریب بزرگ اهداف فاسد این عناصر و گروه‌ها را جامه عمل می‌پوشاند! این جریان در عین ادعای دیانت و اسلامیت در تمام مقاطع تاریخی. همین گونه عمل کرد و این روند همچنان تداوم داشت تا این که تاریخ شاهد وقوع مجدد آن در مقطع هفتم تیر شد و متفکر شهید آیت‌الله بهشتی در معرض هجوم تیرهای زهرآگین دشمنان دوست نما قرار گرفت.

به تعبیر امام خمینی دشمن شخصیت‌های والایی چون شهید بهشتی را که دانشمندی تلاشگر بود و مدیر و مدبر و برای جامعه و کشور مفید و سازنده هدف قرار دادند.

حربه اصلی این جریان جنگ روانی با ترویج دروغ و تهمت و به کارگیری روش مکرر و نیرنگ برای فریب افکار عمومی بود.

همین روش‌ها بود که شخصیت وارسته و به خدا پیوسته و فکور و خدومی همچون شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی که جز به اسلام و خدمت به ملت و کشور نمی‌اندیشید را با القاب زشت و انتساب عملکردهای ناپسند از چشم و دل مردمی که در دام‌های گسترده شده گرفتار آمدند و به صورت "سیاهی لشکر" به بهره‌برداری‌های مکرر ضد اسلامی رسیدند انداختند.

امام خمینی در مناسبت‌های گوناگون به این ترفندها و نیرنگ‌ها برای فریب افکار عمومی تصریح دارند که نمونه ذیل یکی از آنهاست:

"تهمت‌های ناگوار به ایشان می‌زدند. از آقای بهشتی این‌ها می‌خواستند موجود ستمکار دیکتاتور معرفی کنند در صورتی که

رهایی بخش اسلامی که روحانیت و مردم در آنها نقش داشته‌اند را در برمی‌گیرد که از جمله اند: نهضت تنباکو نهضت مشروطه نهضت ملی شدن صنعت نفت قیام ۳۰ تیر و انقلاب اسلامی ایران. از آن میان به مقطعی از مقاطع تاریخ انقلاب اسلامی نظر می‌گستیم و به پیام‌گیری و عبرت‌اندوزی اهتمام می‌ورزیم. این مقطع واقعه هفتم تیر است و آنچه به صورت مظلومیت و غربت متفکر شهید آیت‌الله بهشتی به وقوع پیوست واقعه‌ای که گروه‌هایی از مردم مسلمان‌نه تنها تماشاچی صحنه‌ای این مظلومیت دردناک بودند که خود با دست خود عامل اصلی شکل‌گیری آن شدند!

در رهنمودهای بیدار کننده امام خمینی تامل کنیم:

"جریانی است که روحانیت را کنار بگذارند... آقای بهشتی - رحمه الله علیه - که یک نفر آدمی بود که مجاهد برای اسلام بود به درد می‌خورد فعال بود دانشمند بود مدیر بود مدبر بود دیدید که در صحنه کشور چه فضاحت‌ها در آوردند اشرار و مردم را منحرف کردند. مردم یک وقت بیدار شدند که بهشتی‌ای در کار نبود. من خوف این را دارم که خدای نخواستہ ملت ما یک وقت بیدار بشود که روحانیت کنار رفته است و سلطه اجانب بر این مملکت بازگشته است و آن. همان طور که در زمان امام حسین - سلام الله علیه - آن طور درست کرده بودند چهره [باشد] وقت تاسف‌ها فایده نداشت پسر پیغمبر را که مردم کوفه‌ای که پدر او را دیده بودند مجاهدات او را دیده بودند همین مردم کوفه برای کشتن پسر پیغمبر مسابقه می‌کردند و مردم کوفه یک وقت متوجه شدند که امام حسین دیگر نبود.

من خوف این را دارم که شما ملت بزرگ ایران که برای خدا قیام کردید و برای خدا جوان‌هایتان را دادید و برای خدا زحمات طاقت فرسا کشیدید و همه چیزتان را فدای اسلام کردید با این جریانی که به نظر می‌آید که دارد پیش می‌رود یک وقتی متوجه بشوید که - خدای نخواستہ - با انزال این مردم این‌هایی که خدمتگزار هستند یک حکومت قلدری با اسم "اسلام" با اسم "جمهوری اسلامی" با اسم "خدمتگزار به اسلام" بیاید و همه زحمت‌های شما و خون‌هایی که دادید هدر برود." (۴)

حضرت امام خمینی در این سخنان آگاهی بخش ابتدا جریانی را معرفی می‌نماید که "روحانیت" را نشانه‌رفته است و هدف آن حذف اندیشمندان و عالمان زمان شناس و دارای توانمندی و مهارت در راهبرد جامعه و کشور از حوزه‌های مدیریت کلان سیاسی می‌باشد.

این جریان با برنامه ریزی و شناخت کامل در تهاجم پنهان و حرکت خزنده خود نه هر روحانی که روحانیون دانشمند مدیر مدبر و دارای قدرت برنامه ریزی و روش‌های کاربردی در زمامداری را هدف قرار داده و می‌دهد زیرا وقتی استراتژی انتقال رهبری دینی به مخالفان حکومت اسلامی مورد نظر باشد در صورتی تاکتیک‌های به خدمت گرفته شده به نتیجه و ثمر می‌رسند که چهره‌های شاخص و تأثیرگذار روحانیت که دارای نقش محوری و کلیدی در حکومت و اداره کشور می‌باشند

در طول تاریخ و در بستر زمان همواره شاهد تقابل "عقل و خرد" با "جهل و جمود" بوده ایم. این تقابل و رویارویی به طور طبیعی جایگاه و نقش سازنده و راهگشای عقل و خرد را می‌نمایند و از طرفی دیگر آفت و خطر مهلک جهل و جمود را آشکار می‌کند.

این که در متون فرهنگ و معارف اسلامی از "عقل" به زیبایی و به طور مکرر یاد و تمجید شده و از جمله بزرگ‌ترین "سرمایه" نام گرفته است و در نقطه مقابل از "جهل" نکوش و مذمت شده و بزرگ‌ترین "فقر" معرفی شده است نشان می‌دهد که معارضه عقل و خرد با جهل و جمود در طول مبارزات طولانی و وقفه‌ناپذیر "حق" با "باطل" قرار می‌گیرد و اندیشمندان اسلامی باید به این موضوع نگرشی عمیق و زیر بنایی داشته باشند و مردم جامعه را در دست یابی به شناخت و آگاهی و بیداری یاری برسانند.

واقعیت انکارناپذیری که باید مورد توجه دقیق قرار دهیم این است که متأسفانه همیشه چنین بوده و هست که مردان بزرگ تاریخ قربانی جهل شده‌اند و در اوج مظلومیت و باغربتی دردناک و تلخ به مسلخ برده شده و با تیغ زهرآگین جاهلان و جمود گریبان قربانی گشته‌اند. اینان قبل از این که جسمشان در خاک رود و روحشان به افلاک براندیشه و فکرشان مهر تکفیر خورده و آبرویشان لگدکوب شده و جان و روحشان در زیر تازیانه‌های شدید جهل و جور و جمود متحمل آزارهای فراوان و رنج‌های بی‌شمار گشته و هجوم بی‌امان دروغ و تهمت و سیل بنیان‌کن فتنه و نیرنگ همه چیزشان را بر باد داده است.

درست است که این مردان بزرگ به مصداق آیه شریفه‌ای که می‌فرماید: "تلاش گران راه خدا همواره به مجاهدت اشتغال دارند و در این راه از ملامت هیچ ملامتگری ترس و بیم به دل راه نمی‌دهند" (۱) و درست است که اینان جان و مال خود را به بهای بهشت جاودان با خداوند متعال معامله کرده‌اند. (۲) و نیز درست است که این عناصر مبارز و انقلابی با پروردگار خویش میثاق جهاد و شهادت بسته‌اند و همواره در انتظار دیدن رخ یار و تقدیم جان عاریت به او می‌باشند (۳) لکن سخن اصلی این است که جامعه به کجا می‌رود و مردم در مواجهه با مردان بزرگ تاریخ چگونه می‌اندیشند و "راه" می‌پویند یا به "بیراهه" می‌روند و مسئولیت خسران‌ها و زیان‌ها و منزوی یا به خون خفتن مردان تاریخ در اثر جهل و جمود و بی‌آمدهای تلخ آن یعنی ترویج دروغ و تهمت و رشد فتنه و فریب و گسترش جنگ روانی و ترور شخصیت را چه کسانی می‌پذیرند

آیا ما نمی‌خواهیم از تاریخ درس بگیریم آیا فریادهای دردناک و آگاهی بخش امام خمینی را با گوش جان نمی‌شنویم که به بیداری فرا می‌خواند و درباره تکرار تاریخ و وقوع مجدد رخدادهای تلخ آن هشدار می‌دهد

آگاهی بخشی‌ها و بینش‌آفرینی‌های حضرت امام خمینی بسیار فراگیر و گسترده است و مقاطع تاریخی گوناگون جنبش‌های

## در مصر چه میگذرد

قرائن موجود نشان می دهد که عاملین و آمرین این برنامه ها اهداف بزرگتری را نیز مدنظر قرار داده اند. در واقع همه چیز به مسئله فلسطین و طرح مشترک آمریکا و صهیونیستها برای مختومه کردن ماجرای فلسطین به هر قیمت ممکن بازمی گردد. هم اینک رژیم قاهره نقش "دلال صهیونیستها" را برعهده گرفته و سرگرم تامین نیازهای سیاسی - تبلیغاتی جبهه دشمنان فلسطین است. در حال حاضر صهیونیستها فشار همه جانبه ای را در چند جبهه علیه فلسطینی ها در غزه کرانه باختری و بویژه در بیت المقدس بکار گرفته اند و سعی دارند با اقدامات ایدئولوژیک و تخریبی شکست در جنگ ۲۲ روزه را جبران کنند. تصادفی نیست که گروه الفتح و تشکیلات محمود عباس مامور ترور فعالان اسلامی و عناصر کلیدی حماس شده اند. بطور همزمان مذاکرات آشتی در مصر بین فتح و حماس و تشکیلات خودگردان با میانجی گری مصر جریان دارد.

بدین ترتیب هدف اصلی رژیم قاهره تلاش برای انحراف افکار عمومی مصر و دنیای عرب به سمت و سوی دیگری است که خیانتها در جریان مذاکرات سازش راتحت الشعاع خود قرار دهد و زمینه های مناسبی را برای یکسره کردن کار فلسطین به نفع صهیونیستها و جناح خائن فتح ایجاد کند. با اینهمه نباید از نظر دور داشت که مزدوران اسرائیل علیرغم تمامی خوش رقصی ها و خوش خدمتی ها همواره بدنام و ناکام بوده اند و یقیناً در آینده نیز سرنوشتی بهتر از گذشته در انتظارشان نخواهد بود. مبارک تا این اواخر خود را رئیس جمهور مادام العمر مصر تصور می کرد اما اکنون نه تنها بایستی غزل فراغ را بخواند بلکه دیگر هیچکس حتی حاضر نیست زیر بار فرزند عیاش و بی کفایت او نیز برود.

ممنوع شد و برخی رهبران آن همچون "سید قطب" اعدام شدند. این جنبش اکنون ۲۰ درصد کرسیهای "مجلس الشعب" را در اختیار دارد ولی با افشاگریها و اقدامات سیاسی - اجتماعی خود جبهه نیرومندی از مخالفین را علیه رژیم سرکوبگر مبارک سازماندهی کرده است.

رژیم قاهره همچنین دانشجویان دانشگاهها را از هرگونه فعالیت به نفع اخوان المسلمین برحذر داشته و با یورش به دانشجویان و فعالان اسلامی سعی دارد محیط های دانشگاهی را مرعوب و منفعل سازد. اگرچه نبض فعالیتهای سیاسی مخالفین در قاهره تندتر می زند ولی مراکز دانشگاهی در استانهای "اسیوط" "آسوان" "قنا" "الغریبه" و "سوحاج" نیز به شدت فعالند و حتی از مراکز امنیتی هشدار گرفته اند. این پدیده بویژه در شهر "القیوم" ابعاد تازه ای پیدا کرده و به درگیری وسیع و خونین سرویسهای امنیتی با دانشجویان معترض انجامیده است.

در واکنش به این موج جدید سرکوب اخوان المسلمین شیخ "محمد مهدی عاکف" رهبر جنبش اخوان المسلمین با حمله به رژیم قاهره دولت مصر را مجری برنامه های سران صهیونیستی و آمریکائی معرفی کرد و ماموریت مبارک را "تضعیف مصر" قلمداد نمود. وی مبارک را فردی بی منطق و رژیمش را عامل ظلم و فساد و ناکامی خواند و خاطر نشان کرد که رژیم قاهره مسئولیتهایش را رها کرده و خود را با سرکوب اخوان المسلمین سرگرم ساخته است.

اگرچه سرکوب اخوان المسلمین و تصاحب کرسی های کامل مجلس آینده به خودی خود هدف بزرگی برای رژیم کمپ دیویدی قاهره محسوب می شود ولی شواهد و

طرحی به شدت منفور خواهد شد. البته این یک تهدید نیست بلکه رژیم قاهره به خوبی به نتایج اقدامات شرم آور خود نیز واقف است ولی برای رژیمی که پس از اعدام انقلابی سادات خائن به سرکوب ملت بزرگ مصر مشغول بوده توسل به زور و سرکوب مردم نمی تواند کار چندان مشکلی باشد. با اینهمه بنظر می رسد که مصر آستان حوادث تازه ای باشد. روزنامه القدس العربی با افشای این مطلب خاطر نشان می سازد که طرح انحلال "مجلس الشعب" از زمانی در دستور کار رژیم قاهره قرار گرفت که مبارک به خاطر ناتوانیهای جسمی - روحی احساس خطر کرد و اکنون به منظور تسریع در انتقال قدرت به فرزندش سعی دارد به این حيله ها متوسل شود.

پیش از این قرار بود انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری در پائیز سال ۱۳۹۰ برپا گردد لکن مبارک اصرار دارد که این اقدام زودتر و در اولین فرصت عملی شود. شاید این جزو آخرین ماموریتهای مبارک قبل از مرگش باشد.

در اجرای همین طرح است که این روزها دستگاه های امنیتی مصر عجولانه به دستگیری گسترده مخالفین و فعالان اسلامی بویژه اعضای ارشد اخوان المسلمین پرداخته اند. در واقع قاهره سعی دارد با دستگیری مخالفین قدرتمند خود آرامش فکری و آرایش سیاسی در جبهه مخالفین را به سرعت برهم بزند و مانع فعالیتهای سیاسی - تبلیغاتی آنها برای موفقیت در انتخابات زودهنگام شود. گزارشات رسیده تاکنون دستگیری ۲۰ تن از رهبران و مقامات کلیدی و شخصیت های با نفوذ اخوان المسلمین را تایید کرده است. اگرچه سابقه تاسیس "اخوان المسلمین" به سال ۱۳۰۷ شمسی برمی گردد ولی فعالیتهای این جنبش اسلامی در سال ۱۳۳۲

پیش بینی ها برای انحلال قریب الوقوع پارلمان مصر با فرمان حسنی مبارک رئیس رژیم کمپ دیویدی قاهره تدریجاً حالت جدی تری به خود می گیرد. مبارک و دستیارانش امیدوارند با دست زدن به این ترند بتوانند انتخابات فرمایشی زودهنگامی را به راه بیندازند و زمینه های طرح "موروثی کردن ریاست جمهوری" برای خاندان مبارک را فراهم سازند. آنچه رژیم قاهره را نگران کرده یکپارچگی و محبوبیت روزافزون "اخوان المسلمین" است که با ایجاد موانعی در مسیر ثبت نام و انتخاب آنها سعی بر اینست که مجلس آینده بدون مخالف و معارض شکل بگیرد تا زمینه برای روی کار آوردن "جمال مبارک" فراهم شود.

در قانون اساسی سابق مصر انحلال مجلس از اختیارات رئیس جمهور محسوب نمی شد لکن با تغییراتی که اخیراً در قانون اساسی بعمل آمد مطابق یک طرح مدون برای موروثی کردن ریاست جمهوری حق انحلال مجلس به رئیس جمهور تفویض شد. براساس این طرح بلافاصله پس از انحلال مجلس دستور برگزاری انتخابات زودهنگام صادر خواهد شد و به موازات آن موانعی در مسیر ثبت نام عناصر اسلامی و هواداران اخوان المسلمین ایجاد خواهد گردید. سپس در یک انتخابات فرمایشی و مهار شده "وکیل الدوله" ها از صندوقهای رای بیرون خواهند آمد و زمینه های عملیاتی برای موروثی کردن ریاست جمهوری و انتقال قدرت از حسنی مبارک به فرزندش "جمال مبارک" فراهم خواهد شد.

فعالان اسلامی و هواداران اخوان المسلمین هشدار داده اند که با این طرح ضد ملی مقابله خواهند کرد و رژیم قاهره مطمئن باشد که در بین مردم مصر با اجرای چنین

ادامه از صفحه ۴

و آن نوع دیانتی که نه دوست را می شناسد و نه دشمن را و خود با پای خویش به اردوگاه دشمن مدعی اسلام می رود و پل عبور او می شود و به صورت ابزاری مطمئن به بهره برداری های متعدد می رسد!

این مسلمان یا این دیانت همان کسی است که در متون روایی اسلام "جاهل متنسک" نام می گیرد و بلای جان دین می شود و نماز و دعا و دینداری اش نه تنها به کار اسلام و جامعه و کشور اسلامی نمی آید که آفت و آسیب و خطر مهلک می گردد و در نهایت منادیان راستین اسلام را به قربانگاه دشمن می برد و از دم تیغ می گذارند چنان که در طول تاریخ اسلام مردان بزرگ تاریخ این گونه در مسلخ جهل و جمود قربانی شدند و امروز نیز می شوند!

بسیار شگفت انگیز است که این "مظلومیت" به گونه ای تلخ و دردآور و فرساینده جان و روح می شود و همچون زهر در خون پاک هر آزاداندیش می رود و می آزارد که در برابر "شهادت" ناچیز می شود همانگونه که حضرت امام خمینی درباره غربت و مظلومیت شهید بهشتی چنین فرمودند:

"آنچه که من راجع به ایشان متاثر هستم شهادت ایشان در مقابل او ناچیز است و آن

مظلومیت ایشان در این کشور بود." (۸)

به جامعه امروز بنگریم و به تکرار مظلومیت شهید بهشتی ببیندیشیم.

امروز چه کسانی مسیر شهید مظلوم آیت الله بهشتی را ادامه می دهند آیا همان کسانی در این راه پاک و سرشار از مشقت و مرارت گام نمی نهند که دیروز یار و وفای او بودند و در معرض شدیدترین حملات قرار داشتند

چرا نباید بیدار باشیم و چرا خود را به تغافل می زینم و از کنار واقعیت ها عبور می کنیم و به حقایق چشم فرو می خوابانیم آیا سابقه مبارزه سخت و رنجزای همزمان شهید بهشتی در حافظه تاریخ و برای همه نسل ها ذخیره و درس آموز نشده است

آیا خود را در محکمه وجدان نمی یابیم که این گونه همه چیز را با گرایشات جناحی محک می زینم و حق را در مسلخ نفسانیت های فردی و حزبی و سیاسی ذبح می کنیم آیا نمی نگریم که امروز یاران بهشتی مظلوم همچون او در سراسر کشور و حتی در دور افتاده ترین مناطق روستایی مورد تهاجم فکری و شخصیتی قرار می گیرند

آیا دنیای دون و چرب و شیرین مقام و ریاست چند روزه اینقدر در ذهن و مذاق برخی از افراد و گروه ها لذت بخش شده است که نه تنها به دفاع از مظلومیت و غربت صحابی

و مشاوران امام خمینی بر نمی خیزند که خود بازبگران پشت پرده سیاست شده اند و با تمسک به اصل ماکیاولیستی "هدف وسیله را توجیه می کند" برای به زمین زدن کسانی که دشمنان دین و ملت و کشور را به زمین زده اند و دارای پشتوانه بزرگی از مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی بوده اند و آثار شکنجه گاه های مخوف دشمنان را بر پیکر دارند تلاش می کنند!

آیا این عناصر فهیم و مدیر و مدبر امروز در مسئولیت های بالا و مدیریت های کلان همچنان به خدمتگزاری مشغول نمی باشند!

راستی این بیراهه به کجا ختم می شود بیراهه ای که در آن نه به "شرع" و "اخلاق" پایبندی وجود دارد و نه به "قانون" عمل می شود و کسانی که احساس قدرت سیاسی بالا می کنند و بر اریکه های ریاست تکیه زده اند و باید مجری قوانین قضایی باشند خود در مقام قضا می نشینند و خود محاکمه می کنند و حکم صادر می نمایند و عملاً به آناشسیسم و هرج و مرج در ابعاد و موضوعات مختلف دامن می زنند!

فراموش نکنیم که حضرت امام خمینی در وصف برخی از این ذخائر ارزشمند و خدوم اسلام و انقلاب و نظام از تعبیر "زنده تاریخ" بهره برد و اعلام نمود: "مردان تاریخ

زنده اند." (۹)

سعی کنیم از تاریخ عقب نمانیم و کاری نکنیم که نسل های آینده به نکوهش و مذمت ما بنشینند و ما را در محکمه زمان و در برابر حقایق روشن و واقعیت های انکارناپذیر محاکمه کنند!

پاورقی:

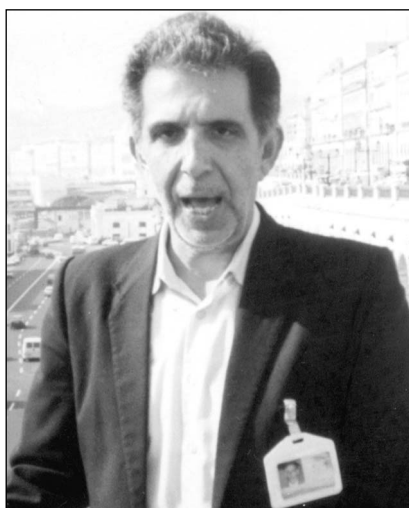
- ۱- قرآن کریم سوره مائده (۵) آیه ۵۴
- ۲- سوره توبه (۹) آیه ۱۱۱
- ۳- سوره احزاب (۳۳) آیه ۲۳
- ۴- صحیفه امام موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ج ۱۵ ص ۳۶۷
- ۵- همان مدرک ج ۱۴ ص ۵۱۸ و ۵۱۹
- ۶- همان مدرک ج ۱۵ ص ۲۰۰
- ۷- همان مدرک ج ۱۸ ص ۱۷۱
- ۸- همان مدرک ج ۱۴ ص ۵۱۸
- ۹- حضرت امام خمینی این تعبیر را در وصف شخصیت آیت الله هاشمی رفسنجانی و در متن پیامی که پس از ترور ایشان به دست گروهک متحجر فرقان صادر کردند به کار بردند:

"مردان تاریخ تا آخر زنده هستند. بدخواهان باید بدانند هاشمی زنده است چون نهضت زنده است" (پنجم خرداد سال ۱۳۵۸ صحیفه امام ج ۷ ص ۴۹۵ منبع: جمهوری اسلامی

نگاهی به زندگی علمی و تلاش فرهنگی دکتر حسین رزمجو

## عمری در تکاپو

نویسنده: حجت‌الاسلام محمد الوان ساز خوئی



آن به واسطه بیماری و ناتوانی جسمانی، ناگزیر شدم به مشهد برگردم و حتی بدون استعفا از سرپرستی کمیسیون ملی یونسکو، به کلی از هر نوع کار اجرایی کناره گیرم. پس از بهبودی، از سال ۱۳۶۵ تاکنون در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی به تدریس و تحقیق مشغولم.

حضور فعال و پر نشاط استاد در عرصه‌های مختلف فرهنگی و اجرایی سبب گردید که وی آثار نیک و ماندگاری از خود در این زمینه به یادگار گذارد. فهرست برخی از سمت‌ها و کارهای اجرایی ایشان چنین است:

۱. مدیر کل آموزش و پرورش استان خراسان.
۲. انتشار نشریه به سوی روشنائی‌ها.
۳. سرپرستی کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی.
۴. مسئولیت کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
۵. مسئولیت مجله فارسی پیام یونسکو.
۶. احداث دهها مدرسه، در روستاهای دور و نزدیک استان خراسان.

### سفرهای علمی و حضور در کنگره‌ها

ایشان در سفرهای متعدد علمی و تحقیقاتی که به سی کشور آسیایی و چند کشور اروپایی، آفریقایی و کانادا داشتند، در کنگره‌ها و کنفرانس‌های علمی شرکت نموده و در بیشتر آنها به سخنرانی پرداخته‌اند. اما تصدی دبیر کلی کمیسیون یونسکو سرآغاز دیگری از سفرهای علمی او بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت: طی دوره تصدی سرپرستی کمیسیون ملی یونسکو به کشورهای ترکیه، سوریه، تایلند، چین، ژاپن، هند، فیلیپین، و فرانسه سفر کردم که از آن جمله شرکت در کنگره بین‌المللی سردبیران مجله پیام یونسکو در پاریس و کنگره دبیران کل کمیسیون‌های ملی یونسکو در آسیا و اقیانوسیه در مانیل بود که در سال ۱۳۶۳ انجام شد. و من دو سخنرانی با عناوین وظیفه نویسندگان متعهد در جهان امروز و گرفتاری‌های فرهنگی منطقه آسیا و اقیانوسیه و نقش یونسکو در رفع آن ایراد کردم.

در آذر همان سال کنگره بزرگداشت هشتصدمین سال تولد سعدی را در دانشگاه شیراز سرپرستی کردم که مجموعه مقالات آن با مقدمه‌ای از من در سه جلد به نام ذکر جمیل سعدی در سال ۱۳۶۴ به همت وزارت ارشاد منتشر شد. در اسفند همین سال هم کنگره جهانی بررسی آثار ابو حامد امام محمد غزالی

اشاره: مرکز بررسی‌های اسلامی در حوزه علمیه قم، بخشی برای تاریخ و معرفی رجال علمی معاصر دارد که در این رابطه تاکنون کتابها و پژوهشهای ارزشمندی را عرضه کرده است. شرح زندگی و آثار استاد دکتر حسین رزمجو از چهره‌های ماندگار معاصر که در آستانه هشتاد سالگی قرار دارد، توسط حجت‌الاسلام الوان ساز خوئی، برای آن موسسه تهیه و تنظیم شده که برای نشر در اختیار روزنامه بعثت قرار گرفته است. ضمن تشکر از این مرکز، متن مقاله ارسالی در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. با آرزوی سلامت و توفیق استاد دکتر رزمجو حفظه‌الله!

در دبیرستان و هفده سال هم در دانشسرای راهنمایی تحصیلی تهران و مشهد کار کردم و در سال ۱۳۵۸ هم به پیشنهاد جمعی از فرهنگیان خراسان و تأیید وزارت و نظر موافق شهید رجایی که در آن زمان سرپرست وزارت آموزش و پرورش بودند، به مدیر کلی آموزش و پرورش استان خراسان منصوب شدم و تا مهر ماه سال بعد در این سمت انجام وظیفه کردم...

یکی دو سال اول انقلاب، یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های سیاسی کشور بود. منافقین و گروه‌های چپ و ضد انقلاب، علناً به فعالیتهای خرابکارانه خودشان مشغول بودند و زیر نقاب شعارهای فریبنده، هر روز عده‌ای را تحریک می‌کردند که بیایند و جلو ادارات آموزش و پرورش بست بنشینند و اعتصاب راه بیندازند. یک روز تقاضای استخدام معلم جدید می‌کردند و فردا خواستار تغییر نحوه برگزاری امتحانات می‌شدند و پس فردا بحث شورایی شدن تشکیلات اداری را مطرح می‌کردند و خلاصه هر روز یک بلوای بزرگ سیاسی مثل اشغال اداره‌ها، ایجاد درگیری‌های فیزیکی بین معلمان و دانش آموزان و... راه می‌انداختند. از آن طرف بعضی گروه‌های قشری مذهبی هم بودند که باعث اذیت و آزار و اتلاف وقت می‌شدند و مسئولان کشور را با بلاتکلیفی مواجه می‌کردند. من در آن یک سال برای رفع شبهات موجود، توضیح قضایا و ایجاد تفاهم حدود یک صد و پنجاه سخنرانی در اداره‌ها و مساجد و تکایا و دیگر محافل فرهنگی شهر برای مخاطبان خاص و عام انجام دادم!

### کمیسیون ملی یونسکو در ایران

دکتر رزمجو در سال ۱۳۵۹ ش به دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و سپس به مدت دو سال دبیر کلی کمیسیون ملی یونسکو در ایران را عهده‌دار گردید. در این زمینه او می‌گوید: از اسفند ماه ۱۳۶۲ تا شهریور ۱۳۶۴ به دعوت وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مسئولیت سرپرستی کمیسیون ملی یونسکو را در ایران پذیرفتم و در این فاصله که به عنوان دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو ایفای وظیفه می‌کردم... اقامت دو ساله‌ام در تهران - به هنگام سرپرستی کمیسیون ملی یونسکو، زمینه مساعدی را برایم - در کارهای اجرایی و مشاغل کلیدی متعددی - فراهم آورد، چنان که در اواخر تابستان سال ۱۳۶۳، از منابع وابسته به دولت و نخست‌وزیری به من اطلاع دادند که نامزد احراز وزارت آموزش و پرورش شده‌ام؛ اما به علت عدم تمایل به این کار و اینکه بعد از

نمود و استفاده‌های معنوی فراوانی برد. او ضمن یاد نیک از همه معلمان خویش درباره بهترین معلم خویش می‌گوید: بهترین معلم من در سالهای تحصیل، مرحوم استاد محمد تقی شریعتی بود. بزرگمردی که با شور و درداگاهی و فرزاندگی و با قداستی زاهدانه و حجب و حیای عارفانه لوای رهبری نسل جوان را به دوش می‌کشید. ایشان در آن سالها دبیر تعلیمات دینی ما بودند و به دلیل ویژگیهایی که داشتند، نوعی ترس آمیخته به احترام و شیفتگی در ما ایجاد کرده بودند. به صورتی که حتی گریزپاترین دانش آموزان هم به کلاس کشیده می‌شدند و از سخنان حکیمانه و نکته سنجی‌های هوشیارانه ایشان بهره می‌بردند. به خصوص که حافظه قوی و نیرومندشان سرشار از آیات و احادیث و روایات و معارف الهی بود و در آن دوران سیاه ستم شاهی، که دین ستیزی وجه همت حکومت‌های وقت بود، وجودشان بسیار مغتنم و کارساز بود. هنوز صدای دل‌نشین و مهربان آن معلم محبوب را به گوش جانم می‌شنوم و از قدرت نفوذ کلامش احساس غرور می‌کنم. بخش مهم دین باوری‌ام را به آن معلم زنده یاد مدیونم که شهد عشق به خدا و مقدسات مذهبی را به کام جانم چشانند و ارادتمند قرآن و نهج‌البلاغه کرد.

### معلمی و ادامه تحصیلات

استاد رزمجو پس از دریافت لیسانس، به حسب علاقه به شغل معلمی، به استخدام آموزش و پرورش درآمد و دو سال به تدریس در دبیرستان پرداخت. در سال ۱۳۴۰ ش برای تدریس در مراکز تربیت معلم مشهد به آن شهر دعوت شد و تقریباً به مدت سیزده سال به تعلیم و تربیت معلمان جوان همت گماشت. در سال ۱۳۵۳ ش مشهد را به قصد تهران ترک گفت و ضمن تدریس در دانشسرای راهنمایی تحصیلی تهران، به تحصیل در دانشگاه تهران پرداخت و دوره‌های کارشناسی و دکتری را با موفقیت پشت سر گذاشت و در هر دو دوره شاگرد اول شناخته شد.

در سال ۱۳۵۸ ش از رساله دکتری خویش تحت عنوان انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی دفاع نمود و با نمره ممتاز قبول شد. در همان سال به مدیریت کل آموزش و پرورش استان خراسان منصوب شد و حدود یک سال در این سمت ایفای وظیفه نمود. ایشان در مورد سابقه تدریس خود در آموزش و پرورش و برخی از فعالیتهای خویش می‌گوید: حدود بیست سال از سابقه خدمتم را در آموزش و پرورش بودم؛ دو سال

دانشمند سترگ، استاد فرهیخته دکتر حسین رزمجو یکی از شخصیت‌های علمی و ادبی ایران اسلامی به شمار می‌رود که بیش از نیم قرن روشنی بخش و راهنمای اندیشمندان جوان و پیوند دهنده نسل‌های گذشته با نسل حاضر بوده است. مردی که عاشق علم است و دل‌باخته تعلیم و تربیت. گو اینکه در این راه گوی سبقت را از بسیاری روده و پیشرو وادی دانایی است. این نوشته ن-گاهی است گذرا بر زندگی این دانشمند فرهیخته تا تقدیری از تلاش‌های بی‌شائبه ایشان گردد.

دکتر حسین رزمجو در بیست و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ ش در خانواده‌ای مذهبی و ارادتمند به اهل بیت پیامبر رحمت و مهربانی حضرت محمد بن عبدالله - صلی الله علیه و آله وسلم - در شهر مقدس مشهد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در مدارس شرافت و عاملی و فردوسی به پایان رساند و در سال ۱۳۲۹ ش موفق به دریافت دیپلم طبیعی شد. با وجود علاقه به تحصیل در رشته پزشکی، رشته ادبیات را برگزید. خود دکتر در این زمینه می‌گوید: ابتدا قصد داشتم در رشته پزشکی ادامه تحصیل بدهم؛ اما آنچه مرا از توفیق تحصیل در این رشته باز داشت، پایبندی‌ها و احتیاط‌های مذهبی بیش از حدی بود که در آن دوران فکری و اعتقادی از زندگی‌ام رعایت می‌کردم. چون می‌گفتند: تشریح و کالبد شکافی مردگان مسلمان - که جزء برنامه دروس مقدماتی دانشکده‌های پزشکی است - از لحاظ شرعی جایز نیست. بنابراین نامه‌ای به مرحوم آیت الله بروجرودی که مقلد ایشان بودم، نوشتم و کسب تکلیف کردم و پس از پاسخ ایشان، بنابر احتیاط، از تحصیل طب چشم پوشیدم و به دلیل علاقه‌ام به ادبیات، یک دیپلم ادبی هم گرفتم و در سال ۱۳۳۵ که دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد افتتاح شد، اولین نفری بودم که در آن رشته ثبت نام کردم و در سال ۱۳۳۷ به اخذ لیسانس نایل شدم.

او در کنار برنامه درسی و برای اینکه بنیه ادبی و علمی خویش را تقویت نماید، کتابهای جامع المقدمات، سیوطی، مغنی و بخش‌هایی از مطول و معلمات سبعة را حدود سه سال در نزد استادان حوزه علمیه مشهد نظیر ادیب دانشور حجت‌هاشمی خراسانی فراگرفت و در این سال‌ها با فرهیختگانی چون استاد محمد تقی شریعتی مزینانی، استاد شهید مرتضی مطهری، عارف عامل حاج می‌رزاج- واد آق- ته-رانی، است-اد-م-حم-د-رضا حکیمی و آیت الله خامنه‌ای حشر و نشر پیدا

## نظرها و اندیشه‌ها

## نیمه دوم تیر ماه - شماره ۷ - ۷

مقدماتی، تهران، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۲ ش.

۱۷. روش نویسندگان بزرگ معاصر - بحثی در هنر نویسندگی، تهران، چاپ سوم، انتشارات توس، ۱۳۷۱ ش.

۱۸. رهاورد سفر عتبات عالیات، مشهد، مؤلف، زیر چاپ تاریخ انتشار بهار ۱۳۸۸ ش.

۱۹. سفری به مسکو و سن پترزبورگ، مشهد، انتشارات سخن گستر، ۱۳۷۹ ش.

۲۰. سیمای دینی و عرفانی مولوی در مثنوی معنوی، مشهد، انتشارات سخن توس، ۱۳۸۶ ش.

۲۱. شعر کهن فارسی در ترازوی فقه اخلاق اسلامی، ج ۱، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ ش.

۲۲. شعر کهن فارسی در ترازوی فقه اخلاق اسلامی، ج ۲، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ ش.

۲۳. شمع جمع آفرینش، منظومه‌ای در قالب مثنوی در توحید و نعت چهارده معصوم، مشهد، انتشارات نشر جلیل، ۱۳۸۳ ش.

۲۴. شیخ اجل سعدی، به چهار زبان فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه. تهران، انتشارات کمپسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۶۳ ش.

۲۵. طلوعی در غروب، مجموعه مقالات درباره اسلام، انقلاب و امام خمینی (ره)، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۷ ش.

۲۶. فرودگاه آدم (ع) در بهشت - یا نگاهی به جزیره سرانندیب، مشهد، ناشر مؤلف بهار ۱۳۸۸ ش.

۲۷. قطره اشکی بر تربت اقبال - درباره آرا و آثار اقبال لاهوری. لاهور، انتشارات اقبال آکادمی پاکستان، ۱۹۹۹ م.

۲۸. قلمرو ادبیات حماسی ایران - ج ۱، سیر حماسه سرایی در ایران. تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.

۲۹. قلمرو ادبیات حماسی ایران - ج ۲، فردوسی و شاهنامه او. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.

۳۰. مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی، لاهور، انتشارات دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب، ۱۳۷۸ ش/ ۲۰۰۰ م.

۳۱. معراج - در خلوت مهتاب شبی از حرم یار، مشهد، انتشارات قاف، ۱۳۸۵ ش.

۳۲. نقد و نظری بر شعر کهن فارسی، ج ۱، مقدمات. مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۲ ش.

۳۳. نقد و نظری بر شعر کهن فارسی، ج ۲، روشنایی‌ها و تاریکی‌ها. مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۲ ش.

۳۴. هزار گوهر معنی - کتاب اول در توحید. مشهد، انتشارات سخن، ۱۳۸۷ ش.

۳۵. هزار گوهر معنی - کتاب دوم در نبوت، امامت، عدالت و قیامت. مشهد، انتشارات سخن، ۱۳۸۷ ش.

۳۶. هزار گوهر معنی - کتاب سوم در فروع دین، انسان، شناخت و... مشهد، انتشارات سخن، ۱۳۸۷ ش.

۳۷. نعل وارونه زدن - در گذرگاه تاریخ ایران اسلامی، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۸۵ ش.

۳۸. اصول تعلیم و زبان و ادبیات در مدارس



استانبول، کنگره بزرگداشت علامه اقبال لاهوری، از چپ نفر سو آیت الله گوگانی، دکتر رزمجو، دکتر جاوید اقبال (فرزند علامه اقبال)، استاد خسروشاهی و جمعی از استادان دانشگاه‌های ترکیه

انتشارات خاوران، ۱۳۶۹ ش.

۳. اصول تعلیم زبان و ادبیات فارسی در مدارس ابتدایی، مشهد، چاپ سوم، کتابفروشی امیرکبیر، ۱۳۴۸ ش.

۴. انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی، پایان نامه دکتری ایشان. تهران، چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰ ش.

۵. انسان صالح در تربیت اسلامی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳ ش.

۶. انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۲ ش.

۷. این است موانع راه، تهران، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۱ ش.

۸. بی گناهی کم گناهی نیست در دیوان عشق، مشهد، ناشر مؤلف، ۱۳۸۱ ش.

**بعضی از کتاب‌های دکتر رزمجو به زبان‌های ترکی، عربی، اردو، انگلیسی و فرانسه ترجمه شده است. او درباره آثارش می‌گوید: همیشه جنبه‌های معنوی و محتوایی را اصیل می‌شمردم و ادبیات و هنر را وسیله‌ای در خدمت و ترویج افکار متعالی می‌دانم نه هدف. ادب، دانش و آموزش و پرورش باید همواره به اعتلای افکار، اخلاق و ارتقای فرهنگی مردم کمک می‌کند و آنها را از تباهی و کجروی برهاند**

۹. پوستین وارونه، تهران، چاپ دوم، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۶ ش.

۱۰. چرا هوادار دکتر علی شریعتی شدم، مشهد، انتشارات سخن گستر، ۱۳۷۹ ش.

۱۱. روش تدریس فارسی برای دانشسراهای مقدماتی کشور که در سال ۱۳۵۲ ش از طرف وزارت آموزش و پرورش منتشر گردید.

۱۲. خداوند بزرگ در نیایش سترگ، ترجمه منظم دعای جوشن کبیر. تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۸ ش.

۱۳. دریچه‌ای گشوده بر آفتاب، تهران، چاپ دوم، بنیاد نهج البلاغه، ناشر چاپ اول دارالفکر قم.

۱۴. دیداری از سرزمین آفتاب، سفرنامه ژاپن، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴ ش.

۱۵. رازها و نیازها، ترجمه منظوم ۷۷ نیایش ماه رمضان. مشهد، انتشارات جلیل، ۱۳۸۴ ش.

۱۶. روش تدوین فارسی - برای دانشسراهای

را اصیل می‌شمردم و ادبیات و هنر را وسیله‌ای در خدمت و ترویج افکار متعالی می‌دانم تا هدف؛ لذا بر خلاف کسانی که عمرشان را تنها به پژوهش‌های صوری و لفظی به پایان می‌برند و یا آنکه به قول زنده یاد جلال آل احمد، فقط به حفاری قبرهای کهن مشغولند و جز با بحثهای لغوی و دستوری و معانی و بیان و صور خیال و تصحیح متون، دیگر کاری ندارند - ضمن آنکه این قبیل کارها در قلمرو تحقیقات ادبی به جای خود ضروری است -

اما تا حدی که وسیله، هدف را به دست فراموشی نسپارد، و رهگشایی برای دستیابی به مفاهیم و معانی یا ارزش‌های انسانی و دینی و عرفانی باشد که خوشبختانه اغلب آثار منظوم و منثور ادب فارسی آکنده از آنهاست.

بنابراین، بنده اعتقاد به این اصل که دین، ادب،

دو سفر آزاد برای سیاحت (۱۳۶۳ ش) و زیارت مزار مولانا در قونیه (۱۳۷۵) و یک سفر هم برای شرکت در کنگره بین‌المللی بزرگداشت اقبال در استانبول به ترکیه رفتم. در سال ۱۳۷۵ چند سفر علمی داشتم. یکی به هند، برای سخنرانی در کنگره بین‌المللی استادان زبان فارسی در شهر رامپور و دیگری به فرانسه برای شرکت در کنگره زبان فارسی در جهان امروز که در دانشگاه پاریس برگزار می‌شد.

سال ۱۳۷۶ هم برای شرکت در کنگره بین‌المللی مطالعات آسیا و آفریقا که در بوايست تشکیل می‌شد، به مجارستان دعوت شدم، دیدارهایی هم به صورت آزاد از کشورهای مثل تایلند، چین، سوئیس و روسیه داشته‌ام که خیلی رسمی نبودند... در همه این سفرها یک لحظه از یاد و لطف خدا غافل نبوده‌ام و همه آنها را به نیت خیر رفته‌ام و به مصداق "سیروافی الارض... که فرمایش قرآن کریم است. در اسفند ماه ۱۳۷۹ ش به سوئد رفتم برای شرکت در کنگره بزرگداشت مولانا جلال‌الدین محمد مولوی که از سوی سازمان ارتباطات اسلامی عازم خرطوم شدم و سخنرانی‌ای درباره عرفان و تصوف از دیدگاه مولوی به عربی ایراد کردم.

**آثار و تألیفات**

دکتر رزمجو تألیف، تحقیق و پژوهش را از سال ۱۳۳۸ ش آغاز کرد و تا اسفند ماه ۱۳۸۷ ش نزدیک به چهل کتاب و دو بیست مقاله از ایشان چاپ و منتشر شده است. بعضی از کتابهای ایشان به زبانهای ترکی، عربی، اردو، انگلیسی و فرانسه ترجمه شده است. ایشان در خصوص توجه به جنبه‌های معنوی در آثار خود می‌گوید: "با توجه به اینکه بنده همیشه جنبه‌های معنوی و محتوایی کتابها و مقالات

دانش و آموزش و پرورش یک جامعه باید همواره به اعتلای افکار، اخلاق و ارتقای فرهنگ مردم کمک کند و آنها را از فساد و تباهی و کجروی‌ها برهاند، بیشتر به پژوهش و نگارش موضوع‌هایی که به نقدهای معنوی، اخلاقی، اجتماعی مربوط است تمایلی داشته‌ام و اغلب مقالاتی هم که تاکنون نوشته‌ام صبغه‌ای از این گونه نقدها را داراست. فهرست آثار منتشره شده ایشان چنین است:

۱۰. ابو حامد امام محمد غزالی، تهران، انتشارات کمپسیون ملی یونسکو با همکاری مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴ ش. این کتاب به مناسبت کنگره جهانی بررسی آرا و آثار او تدوین شده و به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی منتشر شده است.

۲۰. استاد و فرزند برومند او، درباره استاد محمد تقی شریعتی و فرزندش دکتر شریعتی. مشهد،

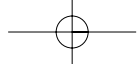
چنین است:

۱۰. ابو حامد امام محمد غزالی، تهران، انتشارات کمپسیون ملی یونسکو با همکاری مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴ ش. این کتاب به مناسبت کنگره جهانی بررسی آرا و آثار او تدوین شده و به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی منتشر شده است.

۲۰. استاد و فرزند برومند او، درباره استاد محمد تقی شریعتی و فرزندش دکتر شریعتی. مشهد،

چنین است:

۱۰. ابو حامد امام محمد غزالی، تهران، انتشارات کمپسیون ملی یونسکو با همکاری مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴ ش. این کتاب به مناسبت کنگره جهانی بررسی آرا و آثار او تدوین شده و به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی منتشر شده است.



ابتدایی، مطبوع به سال ۱۳۴۸ ش. ۳۹۰ زین آتش نهفته، مجموعه غزل، قطعه و اشعار نیمایی. ۴۰۰ صد و یازده مروارید، شامل یکصد و یازده رباعی.

#### پیرامون برخی آثار

از میان آثار دکتر رزمجو کتاب‌های ذیل به عنوان کتاب درسی و یا مأخذ اصلی برنامه‌های آموزشی در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی ایران تدریس می‌شود:

۱۰. انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی (در دوره کارشناسی).

۲۰. روش نویسندگان بزرگ معاصر - بحثی در هنر نویسندگی، (در دوره کارشناسی برای آئین نگارش ۲ یا هنر نویسندگی).

۳۰. شعر کهن فارسی در ترازوی فقه اخلاق اسلامی، ج ۱ و ۲. (در دوره کارشناسی ارشد، برای درس نقد اخلاقی متون ادب فارسی).

۴۰. قلمرو ادبیات حماسی ایران (ج ۱ و ۲ در دوره دکتری برای درس ادبیات حماسی به ویژه شاهنامه).

۵۰. مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی، این کتاب برای دوره کارشناسی ارشد رشته زبان فارسی دانشگاه‌های پاکستان تألیف شده و توسط انتشارات دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب در لاهور چاپ و منتشر شده است که هم اکنون در بعضی از دانشگاه‌های این کشور و شبه قاره هند مورد استفاده استادان و دانشجویان است.

از دیگر فعالیت‌های استاد اشتراک مساعی و حضور پرنشاط در بعضی از کارهای علمی است که به همت دوستان فاضلش انجام گرفته است. فهرست آن کارها چنین است:

۱۰. برگزیده نثر فارسی، از انتشارات کتابفروشی باستان، مشهد، ۱۳۴۱ ش.

استاد این اثر را با همکاری مرحوم استاد احمد احمدی بیرجندی تألیف نموده است.

۲۰. بوستان شیخ اجل سعدی، ناشر، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴ ش.

این اثر به مناسبت کنگره سعدی در سال ۱۳۶۳ ش به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده است.

۳۰. ذکر جمیل سعدی، ۳ جلد، از انتشارات اداره کل تبلیغات وزارت ارشاد، تهران ۱۳۶۴ ش. این کتاب در سال ۱۳۶۳ ش به مناسبت هشتادمین سال تولد سعدی به چهار زبان فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه چاپ شده است.

۴۰. سیر سخن، ۲ جلد، ناشر کتابفروشی باستان، مشهد، ۱۳۴۵ ش. این اثر با همکاری مرحوم استاد احمد احمدی بیرجندی تألیف و منتشر شده است.

۵۰. فارسی برای دوره دبیرستان، ۴ جلد، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، تهران، آخرین چاپ ۱۳۷۵ ش.

۶۰. نشریه سمینار کتاب و کتابداری، ناشر، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۶۱ ش.

۷۰. یادنامه محمد بن موسی خوارزمی، از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳ ش. این کتاب به

مناسبت کنگره هزار و دوستمین سال تولد آن دانشمند بزرگ تهیه گردید و کنگره گرامی داشت او در سال ۱۳۶۳ ش از طرف کمیسیون ملی یونسکو در تهران برگزار شد.

مقدمه و تقریظ بر آثار دیگران نوع دیگر فعالیت‌های استاد می‌باشد که در اول کتاب

چند تن از دانشمندان نقش بسته است:

۱۰. بوی خوش آشنایی، نوشته پروفیسور ظهیر احمد صدیقی، چاپ لاهور، ۱۳۷۳ ش.

۲۰. شاهدنامه، سروده بهمن کرمی - پژوهی از حماسه هشت سال دفاع مقدس - انتشارات لشکر ۱۴ امام حسین اصفهان، تهران ۱۳۷۶ ش.

۳۰. مجلس مشاورت ابلیس، از علامه محمد اقبال لاهوری، ترجمه شعری: پروفیسور ظهیر

لاهور به زبان اردو چاپ می‌کند. علاوه بر اینها مقالاتی هم دارم که در ویژه نامه‌ها و یادنامه‌های گوناگون اشخاص یا سمینارها و کنگره‌ها چاپ شده و تعدادشان نزدیک به سی مورد است. برخی از مقالات استاد در طی سالهای اخیر به صورت مجموعه مقالات به چاپ رسیده که به چند نمونه از آنها اشاره می‌گردد:

۱۰- این است موانع راه، مجموعه مقالاتی است که مؤلف در سال‌های ۱۳۴۸ - ۱۳۴۷ در نوزده شماره در هفته‌نامه هیرمند به چاپ رسانده است. او در این مقالات به نایسامانی‌های آموزش و پرورش در آن زمان و عوامفریبی‌های شاه و ایادی او در سپاه دانش

**بهترین معلم استاد محمد تقی شریعتی بود؛ بزرگمردی که با شور و درد آگاهی و فرزاندگی و قداستی زاهدانه و حیای عارفانه، لوای رهبری نسل جوان را به دوش می‌کشید. او به دلیل ویژگی‌هایش، نوعی ترس آمیخته به احترام و شیفتگی در ما ایجاد کرده بود؛ به صورتی که حتی گریز پزیرترین دانش‌آموزان هم به کلاس کشیده می‌شدند**

احمد صدیقی، چاپ لاهور، ۱۹۹۴ م. مقالات

همان طوری که گفته شد ایشان نوشتن را از سال ۱۳۳۸ ش شروع کرد و در کنار تألیف و تدریس، نزدیک به دو بیست مقاله علمی در زمینه موضوعات ادبی، دینی، سیاسی و... به رشته تحریر در آورد که در چهل مجله و روزنامه معتبر داخلی و خارجی طبع و نشر شده است. خود استاد در این خصوص می‌گوید: "مقالات من در بسیاری از نشریات داخلی مثل مجله معلم امروز تبریز، ماهنامه آموزش و پرورش، هفته‌نامه هیرمند مشهد، مجله پیام یونسکو، روزنامه‌های اطلاعات و

کیهان، ماهنامه کیهان فرهنگی، هفته‌نامه توس مشهد، فصلنامه آشنا، فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، فصلنامه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد، ماهنامه دانشگاه انقلاب، فصلنامه رشد آموزش زبان و ادب فارسی، سالنامه جوانان قم، فصلنامه هنر فرهنگسرای نیاوران، نشریه کتابداری کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ماهنامه کلک، فصلنامه مشکوه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی مشهد، نشریه نامه پارسی شورای گسترش زبان فارسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشریه فرهنگ خراسان، نشریه کمیته دبیران تعلیمات دینی مشهد، فصلنامه علمی، پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه تربیت مدرس و بعضی از مطبوعات دیگر منتشر شده است. در معدودی از نشریات

خارج از کشور هم مقالاتی از من چاپ شده که عبارتند از: نشریه رایزنی فرهنگی ایران در ترکیه به نام آشنا، نشریه فارسی دانشگاه پنجاب پاکستان به نام تحقیق، فصلنامه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به نام دانش، هفته‌نامه عربی زبان العالم که در لندن منتشر می‌شود و همچنین فصلنامه فرهنگی ادبی ویزن که بنیاد اقبال و شریعتی پاکستان در

پرداخته و آنها را مورد نقد قرار داده است. ۲- انسان صالح در تربیت اسلامی، مجموعه مقالاتی است که در سال ۱۳۵۳ ش به چاپ رسید.

۳- حج: آینه‌ای از رستاخیز، مجموعه مقالات و اشعاری درباره حج. این مجموعه در سال ۱۳۸۴ ش از سوی انتشارات سخن توس در مشهد به چاپ رسیده است.

۴- آسمان و ریسمان. ۵- مجموعه مقالاتی درباره وحدت جهان اسلامی.

۶- مجموعه مقالاتی درباره انقلاب اسلامی. ۷- مجموعه مقالات انتقادی و سیاسی.

#### سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها

ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ده‌ها مصاحبه مطبوعاتی شرکت نموده‌اند که در نشریاتی چون ماهنامه کیهان فرهنگی، فصلنامه دانشگاه اسلامی، مجله‌های معلم، زبان و ادبیات، پیک دانشگاه فردوسی و روزنامه‌هایی چون کیهان، اطلاعات، همشهری، توس، جوان، جام جم، خراسان و... چاپ شده است. همچنین در برنامه‌های متعدد تلویزیونی و رادیویی حضور داشته‌اند؛ نظیر برنامه دیدار با فرزندان در سه بخش ۴۵ دقیقه‌ای در کانال چهار، مجله فرهنگی کانال دو سیما به مدت ۵۲ دقیقه، آفاق و برنامه‌های تلویزیونی ضبط شده توسط مرکز اسناد

انقلاب اسلامی که مدت آنها افزون بر سی و چند ساعت می‌شود و مصاحبه‌هایی که با همایش چهره‌های ماندگار و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی انجام گرفته یا سلسله سخنرانی‌هایی که در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۰ ش هنگام افطار از صدای جمهوری اسلامی ایران، استان خراسان، در سی برنامه درباره نهج البلاغه پخش گردید. عناوین برخی از سخنرانی‌های ایشان چنین است:

۱۰- نه شرقی، نه غربی، بل اسلامی یا اصل توازن عدمی مُدرّس در سیاست، که به مناسبت کنگره بین‌المللی پنجاهمین سالگرد

شهادت آیت الله سید حسن مدرس در تاریخ ۱ و لغایت ۱۳ آذرماه ۱۳۶۶ در تهران در محل مجلس شورای ملی سابق برگزار گردید، این مقاله در شماره - ۳۰ بهار ۱۳۷۰ ش - فصلنامه مشکوه، نشریه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی چاپ و منتشر شده است.

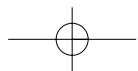
۲- خرافات و راه مبارزه با آن از دیدگاه اسلام، که در سی و سومین کنگره بین‌المللی مطالعات آسیا و شمال آفریقا، در تاریخ ۱۳۶۹/۶/۱ مطابق با ۲۳ آگوست ۱۹۹۰ م در دانشگاه تورنتوی کانادا، ایراد شده است و سپس در تاریخ ۶۹۷/۲۸ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد نیز - به زبان فارسی - ارائه گردیده است. این مقاله در شماره - ۳۱ تابستان ۱۳۷۰ ش - فصلنامه مشکوه چاپ و منتشر شده است.

۳- انقلاب اسلامی ایران و زبان فارسی، که در روزهای بیست و نهم و سی ام فروردین ماه ۱۳۷۵ ش مطابق با هیجدهم و نوزدهم آوریل ۱۹۱۶ م در دانشگاه پاریس - با همکاری مرکز تحقیقات علمی knrs و سازمان یونسکو - برگزار شد، ایراد گردید. این مقاله قبلاً در نامه پارسی، فصلنامه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی وزارت ارشاد اسلامی سال اول شماره دوم، پاییز ۱۳۷۵ ش و همچنین در ماهنامه کیهان فرهنگی شماره ۱۲۸، سال سیزدهم - مرداد و شهریور ۱۳۷۵ ش چاپ و منتشر شده است.

۴- تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی در شکوفایی تمدن مغرب زمین، که در سی و پنجمین کنگره بین‌المللی خاورشناسان (تحقیقات آسیا و شمال آفریقا) از ۷ تا ۱۲ جولای ۱۹۷۷ مطابق با ۱۶ لغایت ۲۱ تیر ماه ۱۳۷۶ ش در شهر بوداپست پایتخت مجارستان ایراد شده است. تلخیص این مقاله در شماره ۱۳۶ سال چهاردهم مجله کیهان فرهنگی - مهر ماه ۱۳۷۶ ش چاپ و منتشر شده است. مجموعه سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایی که ایشان درباره کتاب شریف نهج البلاغه و مقام والای امیرمؤمنان علی - علیه السلام - ایراد کرده در مجموعه‌ای به نام دریچه‌ای گشوده بر آفتاب توسط بنیاد نهج البلاغه در تابستان ۱۳۸۷ ش چاپ و نشر شده است.

دکتر حسین رزمجو در راه اعتلا بخشیدن به فرهنگ و ادب ایران زمین و پرورش شاگردان برجسته روزها و شب‌ها تلاش کرد و زحمات بی‌شماری را بر جان خرید و با حضور بیش از نیم قرن در مجامع علمی خدمات شایانی به خاک و بوم ایران نمود و به حق شایسته سپاس و قدردانی شد. بدین مناسبت در سال ۱۳۷۸ ش به عنوان استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد و در سال ۱۳۸۰ ش یکی از چهره‌های ماندگار شناخته شد و از مقام علمی و ادبی این دانشمند فرزانه قدردانی به عمل آمد.

شایان یادآوری است که شرح حال تفصیلی این دانشمند بزرگ ایرانی و استاد زبان و ادب فارسی در منابع زیر قابل دسترسی است: دانشنامه مشاهیر یزد، ج ۱، ص ۶۲۲؛ مشاهیر معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۵؛ مجله ماهنامه فرهنگی و رشد معلم، شماره ۸، سال هیجدهم - اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ ش.





## به آسید محمود بگو پس فردا نماز جمعه بخواند

دکتر احمد جلالی

محل، مطلب را به اطلاع مردم خواهیم رسانید. ولی صبح فردای آن شب که با شهید بزرگوار بهشتی مشورت کردم، تایید کردند و گفتند: فکر خوبی به سرت رسید.

فردای دستور امام، یعنی پنج‌شنبه، بعد از ظهر رفتم خدمت آقای طالقانی تا نظرشان را درباره جزئیات امر بپرسم. ارتباط بنده با ایشان مستقل از دفتر ایشان بود. به خصوص تلاش و تعهد داشتیم ترتیبات امر با نظر شخص خودشان و بدون واسطه و با استفاده از امکانات تلویزیون داده شود. وقتی خدمت ایشان رسیدم، مشغول صحبت تلفنی با حاج احمد آقا بودند. می‌گفتند: آقا باید فتوا بدهند که نماز ظهر مردم ساقط است. من نمی‌توانم مسئولیت نماز مردم را برعهده بگیرم. باید مستند به فتوای ایشان عمل کنم. مدتی پس از این مکالمه، حاج احمد آقا خبر دادند که: آقا فرمودند که درست است، فتوای مرا اعلام کنید. توجه و دقت آقای طالقانی در تنظیم همه امور اساسی انقلاب و حرکت‌های خودشان با امام و مستند دانستن آنها به محور رهبری بسیار عبرت آموز و هشدار دهنده بود.

طالقانی، به خلاف تصور آنان که او را خوب نمی‌شناختند، در عین بینش باز و اندیشه روشن و پویا، به ضوابط و دقایق فقهی و شرعی بسیار اهمیت می‌دادند. به یاد دارم یک روز هنگام نماز جمعه، ایشان به مسئول صدا و سیما اجازه نمی‌دادند میکروفون کوچکی را به لباسشان نصب کند تا صدایشان خوب پخش شود. آن مسئول از بنده خواست دخالت کنم. علت ممانعت را از خدمتشان پرسیدم؛ گفتند: آخه مثل اینکه ته این میکروفون با چرم پوشیده شده، ممکن است این چرم اشکال داشته باشد.

- آقا چرم نیست، پلاستیک است.

: - آخه نماز مردم گردن من است. مطمئنی که

چرم نیست؟

طالقانی در آخرین خطبه جمعه خود در بهشت زهرا باز هم از قرآن گفت: "... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال اللتی کانت علیهم... آن روز او غسلخانه جدید بهشت زهرا را افتتاح کرد. پس از احوالپرسی با غسل توهمند آنجا به او گفت: مرا آوردند اینجا خوب بشوری آ!

دو روز بعد، بدن مطهر او با بدرقه و اشک میلیون‌ها مردم به بهشت زهرا رسید. وقتی بیکر پاک آن افسانه اخلاص و صفا غسل داده می‌شد، در میان ازدحام و هیجان و ولوله عجیب مردمی که غسلخانه را احاطه کرده بودند، نگاهم به آیت‌الله خامنه‌ای افتاد که تک و تنها و گردآلود، از میان آن ازدحام و غوغا خود را به درون رسانیدند. با غمی سنگین و چشمانی اشک‌آلود، تا آنجا که بنده توجه داشتم، ایشان تنها روحانی عضو شورای انقلاب بودند که طالقانی را تا بهشت زهرا تشییع کردند و بر تغسیل او حضور یافتند. پی نوشتها:

۱- به یاد داریم که پس از رحلت ناگهانی آیت‌الله طالقانی بود که امام بیانی مفصل در ترغیب مردم به شرکت در نماز جمعه و ضرورت حفظ شکوه آن صادر فرمودند.

۲- منزل آقای چهپور در خیابان ایران، که آن روزها محل سکونت آیت‌الله طالقانی بود و این روزها مدرسه است. همان منزلی که بحث قرآنی هفتگی با قرآن در صحنه معمولاً زیر درخت کاج بلند، روی یک تخت چوبی و قالیچه ترکمنی و کنار حوض بزرگ حیاط آن منزل مطرح و ضبط می‌شد.

به هر حال این سلسله گفتگوها میان بنده و بسیاری از دوستان سر دراز داشت که اینجا جای بحث آن نیست. انصاف آن است که این بحثها را باید در حیز طبیعی خود در آن زمان دید و سپس به نقد آن پرداخت. نقدی به انگیزه آموختن از هم، نقدی به نیت غنی‌تر کردن مجموعه پشتوانه انقلاب، تا مقدمه‌ای باشد برای هم‌زبانی‌ها و همدلی‌ها؛ چیزی که سفارش امام و ترجمان آرزوی طالقانی است.

به هر حال آن شب مسئولان اخبار، این خبر را پخش نکردند و من خجالت کشیدم در حضور آیت‌الله طالقانی با آنها در این خصوص بحث تلفنی داشته باشم. از طرفی هم سفارش حاج احمد آقا این بود که همان شب اعلام شود. سعی کردم بزرگان شورای انقلاب را با تلفن پیدا کنم و در کم و کیف امر و انتخاب محل نظرشان را بگیرم؛ اما مقدور نشد. اما نظر حاج احمد آقا را در مورد انتخاب دانشگاه تهران پرسیدم. تأیید کردند. با توجه به شرایط، از خدمت آقای طالقانی مرخص شدم و به سرعت خود را به جام جم رسانیدم.

وقتی رسیدم، اخبار تمام شده بود. دستور دادم مسئولان پخش فرصتی در میان برنامه‌های پس از اخبار باز کنند؛ اما لازم بود برای توده مردم توضیح بدهیم که اصولاً نماز جمعه چیست و احکام آن کدام است. فرصت آماده کردن مطلب و استفاده از فقها و بزرگان قوم نبود. به ناچار خودم پشت دوربین رفتم و حکم امام را در برگزاری نماز جمعه و نصب آقای طالقانی به امامت جمعه تهران اعلام کردم و از میراثی و تأثیری که از استاد بزرگوار شهید مطهری در ذهن داشتم، بهره گرفتم و با یادای از او، فلسفه و تاریخ نماز جمعه و زمینه و ضرورت احیای آن را توضیح دادم. سالها پیش مرحوم مطهری در دو سخنرانی تحت عنوان خطابه و منبر (که هر دو در کتاب گفتار عاشورا چاپ شده است) از اینکه چرا نماز جمعه، این واجب بزرگ در شیعه متروک شده است، عمیقاً اظهار تأسف کرده بودند و آن را غیرقابل توجیه دانسته بودند و مراکز دینی را در عدم توجه به این واجب ملامت کرده بودند. یکی از دلایل علاقه شدید بنده به احیای نماز جمعه و مستحکم کردن پایه‌های آن در جامعه ایران، همان تأثیری بود که از نفس ایشان و نگاهشان در این باب در بنده به جای مانده بود. داغ شهادت او باعث شده بود که جلوه‌های آرزوهای او در احیای مآثر اسلامی بیشتر نمود داشته باشد. پس از پیروزی انقلاب، یک بار که در معیت ایشان به محضر امام مشرف می‌شدیم، با توجه به حساسیتی که در باب نماز جمعه در ایشان سراغ داشتم، مطلب را خدمتشان یادآوری کردم و ایشان هم خیلی محکم از امام تقاضا کردند که نماز جمعه را در شیعه احیا کنند. یک بار هم آقای طالقانی در محضر امام اهمیت موضوع را یادآوری کردند؛ اما در این هر دو بار که بنده شاهد بودم، امام سکوت کردند و نظر خاصی ابراز نفرمودند، تا آن شب که تلفنی حاج احمد آقا دستور ایشان را ابلاغ کرد.

آرزوی می‌کردم کاش مطهری آنجا بود و تحقق آرزوی خود را می‌دید. حدیث فضل بن شاذان از حضرت رضاع) را که ایشان هم در همان دو مقاله خطابه و منبر مورد استناد و توضیح قرار داده بودند، به یاد داشتم: "... انما جعل الخطبتین لمكان رکعتین..." آنچه می‌دانستم، برای مردم توضیح دادم و دانشگاه تهران را به عنوان محل نماز اعلام کردم. البته چون مشورت کافی نشده بود، گفتیم که: در صورت تغییر

تدارکات می‌خواهد... بعد هم تعارفها و تواضع‌هایی داشتند و دیگران را برای این مهم پیشنهاد کردند؛ اما حاج احمد آقا سعی می‌کرد ایشان را قانع کند. بعد از اتمام صحبت تلفنی، از آقا پرسیدم که چرا نگران هستند؟ گفتند که: اولاً باید مردم را آماده کنیم. بعد هم باید فکر محلی بکنیم. عرض کردم: آقا، دانشگاه تهران خوب است. هم مرکزیت دارد، هم محیط زیباست، هم بسیار با معناست که چون شمالی که از پیش‌تازان دعوت دانشگاه به مسجد و اتصال مسجد به دانشگاه بوده‌اید، در صحن دانشگاه نمازی بخوانید که در هیأت و حرمت نماز، امور زندگی سیاسی و اجتماعی مردم در آن مطرح می‌شود. مگر نه اینکه آرزوی شما همین بوده است؟ پس چرا لیت و لعل در کار می‌آورید؟ مسجد هدایت شما پایگاه دانشگاهیان متدین بود، حالا به برکت انقلاب، امام مسجد هدایت، به حکم امام انقلاب، خطاب هدایت خود را به صحن دانشگاه می‌برد. حالا چرا حضرت عالی ان قلت در کار می‌آورید؟ نگران نباشید، تدارکات هم با بنده. از امکانات تلویزیون استفاده می‌کنیم، حل می‌شود.

فکری کردند و گفتند: آخه آقای خوانساری در بازار (مسجد امام) نماز جمعه می‌خواند. باید فاصله کمتر از ۶ کیلومتر نباشد. عرض کردم: اگر هم فاصله کمتر از ۶ کیلومتر باشد، باید ایشان محل نماز خود را عوض کنند؛ چون شما حکم از حاکم دارید، نه ایشان. سکوت کردند؛ علامت رضا بود.

اخبار تلویزیون شروع شده بود. از همان جا به اتاق خیر زنگ زدم و گفتم که: اخبار را قطع کنند و اعلام کنند که از سوی امام، آیت‌الله طالقانی به امامت جمعه تهران منصوب شدند و اولین نماز جمعه پس فردا برگزار خواهد شد. اما آنها اعلام نکردند. در آن روزها بنده معاونت برنامه‌های رادیو و تلویزیون را برعهده داشتم؛ یعنی مسئولیت همه برنامه‌ها غیر از خبر. مدیریت خبر با من نبود و بخشی از دوستانی که در آن مقطع در بخش خبر مسئولیت گرفته بودند و اتفاقاً آن شب در آنجا بودند، از خبر انتصاب آقای طالقانی به امامت جمعه خوشحال نبودند. بیشتر آن دوستان در سالهای قبل از انقلاب در عین تدین، تابع طرز فکری بودند که روحانی سیاسی را نمی‌پسندید و بخصوص مشی آقای طالقانی را هم قبول نداشتند. اغلب غرضی نداشتند؛ اما در باب مشی سیاسی و وسعت نظر ایشان گرفتار سوء تفاهماتی بودند.

بخصوص مرا متهم می‌کردند که قصد دارم با مطرح کردن آقای طالقانی در تلویزیون او را بزرگ کنم؛ به آنها می‌گفتم که اشتباه می‌کنند، طالقانی بزرگ هست. با آوردن او، تلویزیون بزرگ می‌شود. طالقانی در ایران بخش مهم و انکارناپذیری از تاریخ انقلاب، تاریخ آزادی و تاریخ نهضت روحانیت است. تثبیت مشروعیت و مقبولیت او محتاج تلویزیون نیست، بلکه تلویزیون در احراز مشروعیت و مقبولیت خود محتاج استوانه‌هایی چون اوست. آن دوستان فکر می‌کردند که مطرح شدن ایشان اسباب سوء استفاده کسانی می‌شود که قی قلوبهم مرض. اما بنده فکر می‌کردم و به تجربه می‌دانستم که درست برعکس، مطرح نکردن طالقانی در مسیر خواست همان دل‌ریزانی است که می‌خوانند او را از انقلاب و امام و روحانیت جدا معرفی کنند. طالقانی سرمایه تاریخی کشور، انقلاب و امام بود. چرا از تأثیر این وزنه بزرگ و ذخیره سترگ در مجموعه حرکت انقلاب و رهبری آن غافل بمانیم؟

صبح فردای آن شب که امام انقلاب، آیت‌الله طالقانی را به امامت جمعه تهران منصوب کردند، بنده به مرحوم آقای اشراقی - داماد امام - تلفن و خواهش کردم همان موقع خدمت امام برسند و پیشنهاد کنند که ایشان بیانی در قالب حکم یا فتوای شرعی صادر بفرمایند تا براساس آن مردم نماز جمعه را که قرن‌ها در شیعه متروک شده و ذهن عبادی جامعه به آن آشنا نبود، جدی تلقی کنند. نگرانی آن بود که ناآشنایی اذهان و ساقط شدن نماز ظهر مردم موجب شود که نماز جمعه شکوه شایسته پیدا نکند. م- مرحوم اشراقی این پیشنهاد را پسندیدند و گفتند که نیم ساعت بعد برای دانستن نتیجه به ایشان تلفن کنم. در تماس بعدی ایشان عکس‌العمل امام را این طور نقل کردند: احتیاجی نیست. تعیین آقای طالقانی کافی است که نماز جمعه بگیرد.<sup>۱</sup>

این بار هم تشخیص امام درست بود. طالقانی اولین نماز جمعه را در دانشگاه تهران امامت کرد. صحن دانشگاه و خیابانهای اطراف، تا خیابان فلسطین، بلوار کشاورز و بخشی از پارک لاله مملو از جمعیت بود. صحنه با هلی‌کوپتر تلویزیون فیلمبرداری و همان شب پس از اخبار از شبکه اول پخش شد. آن شب سنت پخش خطبه‌های نماز جمعه از تلویزیون پایه‌گذاری شد. فردای آن روز، یعنی شنبه، برای دیدن حاج احمد آقا به قم رفتم؛ پرسیدم: آقا از نماز جمعه راضی بودند؟ گفتند: دیشب آقا روی زمین ساکت نشسته بودند و پخش خطبه‌های نماز جمعه را تماشا می‌کردند. وقتی صحنه‌ای را که هلی‌کوپتر گرفته بود دیدند، درحالی که قدری از روی زمین بلند شده بودند، با خوشحالی گفتند: "عجب چیزی شد! با شنیدن این جمله همه خستگی‌ام درآمد. آخر همه دوندگی‌های آن چند روز برای آماده کردن دانشگاه تهران، نصب سیستم‌های صوتی، آماده کردن دکوپاژ لازم برای فیلمبرداری و همه تدارکات دیگر به یک کنار، حرف و حدیثها و بی‌صفایی‌ها بود که بیش از دوندگی‌ها نفس می‌گرفت.

اما داستان اعلام نصب آقای طالقانی به امامت جمعه تهران و برگزاری اولین نماز جمعه از این قرار بود: شب پنج‌شنبه سوم مردادماه ۱۳۵۸ بود و شب اول ماه رمضان. نماز مغرب را با ایشان گزارده بودم و در سکوت اتاق، از نیم‌رخ، درحال و هوای مردی فرو رفته بودم که با خشوع تمام تعقیبات نماز به جای می‌آورد. مردی که در دفاع از حقوق الهی مردم، خود یک تاریخ بود و تاریخ معاصر آزادی و کرامت انسان در ایران نام او را همواره به اصالت و سرافرازی یاد خواهد کرد و از یاد او خالی نخواهد ماند. سکوت اتاق با زنگ تلفن شکسته شد. گوشی را برداشتم.

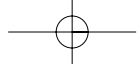
مرحوم حاج احمد آقا بود:

- آقای طالقانی آنجا هستند؟

هستند، تعقیبات نماز می‌خوانند.

- چه خوب که تو هم آنجا هستی. چون آقا (امام) همین الان گفتند که: به آسید محمود بگو پس فردا نماز جمعه بخواند. همین امشب زود بگو تلویزیون اعلام کند. گوشه و کنار کار را هم خودت بگیر. باید مطلب جایفتند...

گوشی را دادم به آقای طالقانی. طبیعتاً حرفهای آن طرف خط را نمی‌شنیدم؛ اما می‌شنیدم که آقای طالقانی می‌گفتند: آخه من مریضم، خسته‌ام، پاهام درد می‌کنه... حالا آقا یک مهلنتی بما بدهند تا فکری بکنیم. آخه همین پس فردا که نمی‌شه، این کار



## تاکید آیت الله سیستانی بر انتخاب مسئولان کارآمد در دولت عراق

وی با اشاره به اینکه دیدارش با آیت الله سیستانی کوتاه بوده اظهار داشت: در این دیدار محور مذاکرات درباره موضوع خدمات رسانی به ویژه عملکرد شهرداری ها آب بهداشت محیط زیست و همچنین اقدامات و عملکرد دولت خلاصه شده بود.

است چرا که علت خدمات رسانی های بد تنها به زیرساخت ها بر نمی گردد بلکه اقدامات بد برخی از وزارتخانه ها علت این مسئله است و در نتیجه انتخاب افراد شایسته و با لیاقت یکی از عواملی است که می تواند سطح خدمات رسانی را در عراق بالا ببرد.

اهمیت انتخاب عناصر و شخصیت های شایسته و با لیاقت به دور از چارچوب طایفه ای خواه مسلمان یا مسیحی یا از هر گروه دیگری تاکید داشت.

معاون نخست وزیر عراق در این باره به خبرنگاران گفت: این معیار یک معیار مهم ملی

آیت الله علی سیستانی از مراجع تقلید شیعیان عراق بر انتخاب مسئولان کارآمد در وزارتخانه های این کشور تاکید کرد.

به گزارش رادیو سوا "رافع العیسایوی" معاون نخست وزیر دولت عراق بعد از دیدار با آیت الله سیستانی در نجف اشرف گفت: وی با تاکید بر

### گفت و گو با رهبر ارشد شیعیان عربستان

## کلبانی بلندگوی تفرقه شده است

حکایت از این دارد که نه تنها شیعیان به دنبال حقوق اضافی نیستند بلکه ابتدایی ترین حقوقشان که آزادی است نیز از آنها سلب می شود. این رهبر شیعیان سعودی با بیان اینکه "تکفیر شیعیان یکی از عوامل اصولی سلفی ها برای عدم اعتراف شیعه است"، گفت: شیعه جزء اساسی شهروندان سعودی است که در دفاع از عقاید و مقدسات و ساخت مساجد محروم هستند و حق هیچ گونه دفاعی ندارند، دستگاه های امنیتی سعودی در حق شیعیان جفای می کنند. الموسوی در ادامه خواستار وحدت مسلمانان بر سر دیدگاه امام راحل (ره) شد و افزود: وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره) حاکی از قبول افکار گوناگون و احترام به حقوق آنهاست که در نزد شیعه رعایت می شود، این امر عمل به یک امر الهی و عامل همکاری مسلمانان با یکدیگر است. وی ابراز تاسف کرد که اظهارات کلبانی، یکی از امامان جماعت حرم مکی بر خلاف عقاید و تفکرات امام راحل است و این شخص به بلندگویی برای تفرقه میان مسلمانان تبدیل شده است.

این رهبر شیعیان عربستان در پایان ابراز امیدواری کرد که با چنگ زدن به عوامل وحدت آفرین، مسلمانان جهان هرچه زودتر به وحدت برسند و اختلافات را کنار بگذارند

با افکار و تفکر ملک عبدالله در تعارض است. هیأت امر به معروف بازوی قوی سلفی ها این رهبر دینی سعودی تصریح کرد: به طور معمول تکفیر شیعیان به اهل زندیق و شرک همه ساله در عربستان وجود دارد و حکومت سعودی نیز حمایت می کند.

وی افزود: هیأت امر به معروف یا پلیس دینی در واقع بازوی قوی سلفی ها و وهابی ها در عربستان است که برخی شخصیت های سنی عربستان خواستار انحلال این هیأت هستند. به گفته الموسوی، علاوه بر شیعیان حتی برخی روزنامه نگاران سعودی نیز از رفتارهای این هیأت ناخرسندند، بطور مثال عبدالله الغزانی، از اساتید دانشگاه ریاض و ترکی الحمد، نویسنده و روزنامه نگار سعودی، با اعمال و تفکرات هیأت امر به معروف مخالف هستند. وی با اشاره به اظهارات عادل الکلبانی یادآور شد: کلبانی معتقد بود که شیعیان سعودی خواستار امور بیشتر از حقوق خود هستند که وارونه جلوه دادن حقایق است، این درحالی است که شیعیان سعودی حتی به ابتدایی ترین حقوق خود نیز دست نیافته اند. شیخ الموسوی تصریح کرد: دستگیری بسیاری از شخصیت های شیعه در شهرهای الخبیر و الاحصاء

وحدت آفرین در میان مسلمانان است، تاکید کرد: حرم مکی نباید منبع تفرقه و و تکفیر مسلمین باشد، بدلیل اینکه جزئی از شهروندان این کشور شیعه هستند و این فتوا بر خلاف نظر رسمی حکومت آل سعود است.

به گفته شیخ الموسوی، شیعیان در عالم جزء اساسی از عالم اسلامی هستند و نباید دولت سعودی این چنین موضع گیری کند که اعتبار و جایگاه شیعیان را در جهان تقلیل دهد و اینکه ما علامت تعجب بر این شخص (شیخ عادل الکلبانی) می گذاریم، بخاطر همین دلیل است. شیخ محمد الموسوی علل اصلی این فتنه را پیروی از عقاید منسوخ شده محمدبن عبدالوهاب دانست و گفت: تکفیر شیعیان مربوط به دوره محمدبن عبدالوهاب است و امروزه اگر سلفی های سعودی شیعیان را تکفیر می کنند، در واقع ادامه دهنده عقاید عبدالوهاب، پدر سلفی ها هستند.

این رهبر شیعیان عربستان در ادامه اظهارات خود، حمایت دستگاه های عربستان از گروه های سلفی را از دیگر عوامل ایجاد فتنه علیه شیعیان دانست و گفت: بعد از حوادث مدینه نائب عبدالعزيز "که از شخصیت های تراز اول حکومت عربستان و امیر مدینه می باشد، در گفت و گویی با یک روزنامه آمریکایی از فعالیت های هیأت امر به معروف و نهی از منکر حمایت کرد، که البته

شیخ محمد الموسوی، از رهبر ارشد شیعه عربستان سعودی به تشریح فعالیت های ضد شیعه دستگاه های امنیتی عربستان و هیأت امر به معروف پرداخت.

وی معتقد است که نهضت سلفی سعودی، نهضتی افراطی است که شیعه را اصحاب تکفیر و مشرک می داند و این توهین ها در زمان حج رنگ بیشتری به خود می گیرد و در مسجد الحرام، بقیع و مکان های دیگر با احداث دکه هایی به نشر این اکاذیب می پردازند. این رهبر شیعیان سعودی افزود: سلفی ها در مراسم حج از طریق بلندگو اعلام می کنند که اعمال شیعیان تکفیری است، اخیراً نیز شیخ عادل الکلبانی یکی از امامان حرم مکی، فتواهای زیادی را علیه شیعیان صادر کرد، حرمی که قبله مسلمین و عنوان وحدت میان آنان است. شیخ محمد الموسوی تصریح کرد: عادل الکلبانی، در مصاحبه ای با بی بی سی گفت که علمای شیعه کافرند و باید توبه کنند، این شخص هیچ جایگاهی در میان شیعیان ندارد اما با توجه به سمتش حرکتی ضد شیعی در سطح منطقه آغاز کرده است، لذا از حکومت سعودی توقع داریم که شیخ کلبانی را از امامت حرم مکی و امامت این حرم برکنار کند. این رهبر شیعیان عربستان با بیان اینکه مکه عامل

## جنبش آزادگان بحرین از سفر هیئت بحرینی به تل آویو به شدت انتقاد کرد

عربی با اسرائیل و درخواست شیمون پرز رئیس این رژیم برای دیدار با پادشاه عربستان سعودی صورت می گیرد.

به دنبال سفر هیئتی از سوی وزارت خارجه و کشور بحرین جهت تحویل گرفتن شهروندان بحرینی بازداشت شده از سوی رژیم صهیونیستی به تل آویو نخستین سفر علنی مقامات بحرین به فلسطین اشغالی صورت گرفت.

گروهی شامل فعالان بین المللی حامی ملت فلسطین با یک کشتی فروند کشتی با نام روح انسانیت راهی این منطقه بود که نیروی دریایی رژیم صهیونیستی روز سه شنبه این کشتی را توقیف و سرنشینان آن را که تعدادی نیز بحرینی بودند، بازداشت کرد.

هیئت اعزامی بحرینی دیروز جمعه شهروندان بحرینی را از مقامات رژیم صهیونیستی تحویل گرفت.

گفت: برقراری رابطه منامه با تل آویو مسئله غافلگیر کننده ای نیست بلکه از سال ها پیش امکان آن وجود داشته است.

وی افزود: بین رژیم صهیونیستی و رژیم موجود در بحرین تشابه زیادی وجود دارد به طوری که رژیم حاکم در تل آویو سرزمین های فلسطینی را اشغال و اهالی آن را آواره کرده و در بحرین نیز پیش از دو قرن گذشته رژیم کنونی، این کشور را اشغال و با ساکنان آن مانند اشغالگران رفتار کرده اند.

الشهابی توجیه های ارایه شده از سوی مقامات بحرینی در این باره را قانع کننده ندانست و آن را ساده و سخیف قلمداد کرد و گفت: اقدام بحرین در اعزام هیئتی به رژیم صهیونیستی همزمان با سخنان باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا و "جرج میچل" فرستاده ویژه آمریکا به منطقه، درباره عادی سازی روابط کشورهای

این رژیم روابط سیاسی دارد. وی با بیان اینکه این اقدام دولت بحرین حرکت تازه ای نیست، تصریح کرد: ۱۰ سال پیش نیز بین سازمان جاسوسی رژیم اسرائیل "موساد" و دستگاه اطلاعاتی بحرین همکاری های امنیتی درباره تعقیب فعالان و مبارزان در داخل و خارج وجود داشت.

رئیس جنبش آزادگان بحرین افزود: روزی که کشورهای حوزه خلیج فارس برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی اقدام کنند، آن روز، روز سیاهی خواهد بود.

الشهابی به دیدار خالد بن حمد آل خلیفه وزیر امور خارجه بحرین با همتای صهیونیستی خود در سال ۲۰۰۷ میلادی در حاشیه اجلاس سازمان ملل متحد در نیویورک و نیز دیدار وی در شهر داووس "با شیمون پرز" رئیس رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۳ اشاره کرد و

رئیس جنبش آزادگان بحرین از اقدام دولت این کشور در خصوص اعزام هیئتی به رژیم صهیونیستی برای تحویل گرفتن شهروندان بحرینی دستگیر شده از سوی این رژیم به شدت انتقاد کرد.

سعید الشهابی "در گفت و گو با شبکه تلویزیونی العالم" به توقیف کشتی حامل فعالان بین المللی حامی ملت فلسطین در نوار غزه از سوی نیروی دریایی رژیم صهیونیستی و دستگیری این فعالان از جمله برخی از شهروندان بحرینی اشاره کرد و گفت: اقدام منامه برای فرستادن هیئتی به رژیم صهیونیستی درحالی که بحرین این رژیم را به رسمیت نمی شناسد، اقدامی تاسف بار بود.

الشهابی این اقدام منامه را غیر قابل توجیه عنوان کرد و گفت: پادشاهی بحرین به رغم اینکه رژیم اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد ولی با وجود مخالفت های مردمی با

### استاد دانشگاه الازهر تاکید کرد

## ضرورت تدریس نهج البلاغه در مجامع علمی دنیای اسلام

تدریس نهج البلاغه در مراکز و مجامع علمی دنیای اسلام بیان داشت: تعالیم نهج البلاغه راه های مقابله با مشکلات زندگی و کسب فضایل اخلاقی را به همگان می آموزد.

وی افزود: نهج البلاغه از روش سلیم و بلاغت بالایی برخوردار است و بخش هایی از آن به صورت طبقه بندی شده درمقاطع مختلف در دانشگاه الازهر تدریس می شود.

امام علی علیه السلام هستند و علما وظیفه سنگینی در معرفی شخصیت ایشان بر عهده دارند.

وی به نهج البلاغه به عنوان یکی از آثار ماندگار امام علی اشاره و تصریح کرد: هر کس نهج البلاغه را مطالعه کند می تواند راه راست و صحیح را در زندگی بیابد.

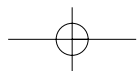
این اندیشمند اهل سنت با تاکید بر ضرورت

جامعه اسلامی می تواند با بهره مندی از اخلاق، سلوک و تواضع ایشان درس زندگی بیاموزد.

دکتر احمد عبدالرحیم السایح با اشاره به برگزاری نشست ها و تالیف کتاب های مختلف پیرامون شخصیت امام علی ابراز داشت: دنیای معاصر به ویژه جوانان، نیازمند آراء و اندیشه های شخصیتی چون

یکی از اندیشمندان اهل سنت گفت: شخصیت های فرهنگی و مراکز علمی با معرفی شخصیت امام علی (ع) می توانند جامعه اسلامی را با یک رهبر و کسی که در تمام عرصه ها می تواند الگو باشد آشنا کنند.

استاد دانشگاه الازهر مصر اظهار داشت: امام علی علیه السلام شخصیت عظیمی است که آثار زیادی از خود بر جای گذاشته است و



آشنایی بیشتر با یادگار ارزشمند آیت الله العظمی بروجردی (ره)

## کتابخانه مسجد اعظم؛ گذشته، حال، آینده



رو، به فکر تهیه زمین آن هستیم و با برخی افراد نیز صحبت‌های مقدماتی شده است، که اگر این مکان تهیه گردد، مکان فعلی سالن مطالعه و محل عرضه کتاب‌ها محدود می‌شوند و فقط به عنوان نماد کتابخانه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، مورد استفاده قرار خواهند گرفت. توسعه خدمات نوین و عرضه کتاب‌ها از طریق ابزارهای جدید مانند اینترنت، از دیگر اهداف ماست که مقدماتی را نیز می‌طلبد؛ یعنی ما اگر بتوانیم خدمات رایانه‌ای به مراجعان را توسعه دهیم، در آینده به مرحله‌ای خواهیم رسید که مراجعه حضوری به کتابخانه به حداقل برسد. اگر خدا یاری نماید درباره مدرسه "خان" هم برنامه‌های اساسی داریم که در آن، حدود هزار متر مربع از زمین‌های اطراف مدرسه تملک می‌شوند و این مدرسه در دو طبقه، تجدید بنا می‌گردد و مرکز تدریس دروس حوزه خواهد شد.

### تعامل مسجد اعظم با آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها چگونه است؟

موقعیت خاص مسجد اعظم به صورتی است که اداره آن، بدون همیاری و هماهنگی با مجموعه آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها ممکن نیست، زیرا این مسجد در خدمات‌رسانی به زائران حرم مطهر، نقش ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر، با توجه به آنکه این مسجد از بیوت حوزه مقدسه علمیه قم است و میزبان دروس مراجع بزرگ و اساطین حوزه می‌باشد، نیازمند همیاری و هماهنگی با نهادهای حوزوی، مانند شورای عالی و مدیریت محترم حوزه مقدسه قم است. هم‌چنین از آنجا که مسجد، تربیون نظام تلقی می‌شود، نیازمند هماهنگی با نهادهای مرتبط می‌باشد و این هماهنگی و همیاری به صورت بسیار خوبی در حال حاضر، بین مسجد و مجموعه آستانه مقدسه و تولیت محترم آن وجود دارد و آیت الله مسعودی -حفظه الله تعالی- با-علاقه‌مند می‌باشد و توجه ویژه، امور مربوط به مسجد را دنبال می‌کند و هم‌چنین هماهنگی و همکاری مسجد با نهادهای حوزوی نیز می‌تواند در خدمات‌رسانی بهتر به حوزه مقدسه و زائران گرامی، بیش از گذشته منشأ اثر باشد.

### در موضوع اطلاع‌رسانی کتاب‌خانه در آینده، چه تدابیری اندیشیده‌اید؟

در گذشته مجله‌ای به نام "مسجد اعظم"، هر ماه توسط آقای دانش آشتیانی منتشر می‌شد که بعد از دو سال به دلایلی هم چون کمبود بودجه متوقف شد. ما الان در نظر داریم یک مجله تخصصی کتاب‌خانه‌ای منتشر کنیم که علاوه بر درج مقالات علمی، به موضوعات پیرامون کتاب‌خانه نیز بپردازد، چرا که این کتاب‌خانه یکی از کتاب‌خانه‌های بزرگ ایران و حتی جامعه شیعه است و می‌توان نسخه‌های موجود در این کتاب‌خانه را از طریق این مجله معرفی کرد. علاوه بر این، خود کتاب‌خانه باید در مجامع علمی و کنگره‌های ملی و فراملی حضور داشته باشد و با نشریات دیگر مصاحبه کند و خود را معرفی نماید، تا دیگران بدانند که چنین کتاب‌خانه‌ای با چنین مختصات جغرافیایی موجود است. سایت مسجد را نیز راه‌اندازی خواهیم کرد تا در آن سایت، اطلاعات و دروس برپا شده در مسجد اعظم عرضه گردد. هم‌چنین سالن اجتماعاتی برای برگزاری کنفرانس‌های بزرگ ملی و بین‌المللی درست خواهیم کرد تا در اجلاس‌های مهم و بزرگ، گره‌ای از مشکلات مکانی قم را باز نماید.

مشکلاتی مواجه شدیم؛ یکی این بود که حجم کتاب‌ها و فضای کتابخانه با هم تناسب نداشتند، چون ما حدود ۱۴ هزار عنوان کتاب خطی در ۷ هزار مجلد داشتیم و بالای ۱۰۰ هزار جلد کتاب و جزوه چاپی نیز داشتیم که به خاطر کمبود فضای مخزن و کتابخانه، در هم ریخته بودند. مشکل دیگر این بود که برای عکس‌برداری از کتاب‌های خطی، امکانات لازم را نداشتیم. از سوی دیگر، کتاب‌های خطی نیاز به صحافی داشتند که برای این کار نیاز به فضایی وسیع داشتیم. وسایل گرمایشی و سرمایشی هم طوری بودند که به کتاب‌ها لطمه می‌زدند. هم‌چنین آمار مراجعان به کتابخانه در آن زمان، روزانه بالای ۷۰۰ نفر بود که فضای موجود کتابخانه، جواب‌گوی این تعداد مراجعان نبود. برای مطالعه خانم‌ها و آقایان نیز فضای جداگانه‌ای در نظر گرفته نشده بود، در حالی که این کار ضروری بود. مشکل دیگر، نگهداری صحیح و فنی کتاب‌ها، به خصوص کتاب‌های خطی و نسخه‌های چاپ سنگی است که نگهداری آنها امکانات ویژه‌ای می‌طلبد. مسئله دیگر، ضرورت امکان پاسخ‌گویی به مراجعان بیشتر و سهولت مراجعه محققان به سالن قفسه‌باز بود که مجموعه این مشکلات و کاستی‌ها می‌طلبید که به صورت جدی کاری انجام گیرد؛ لذا وقتی این مشکلات را با مسئولان استان و کشور مطرح کردیم، مسئولان قول مساعدی برای همکاری در راستای توسعه کتابخانه مسجد اعظم دادند و در نتیجه، با همکاری دولت و مسئولان استان، این کار انجام گرفت و تا حد زیادی از خواسته ما برآورده شد و ما از همه کسانی که در این امر مهم ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

### نسخه‌های خطی موجود از چه ویژگی‌های برخوردارند؟

کتابخانه مسجد اعظم حافظ و نگهدارنده مورث بسیار نفیس شیعه است، به طوری که بعضی از این نسخه‌ها شاید فقط محدود به این کتابخانه باشند. ما نسخه‌هایی به خط بزرگانی، هم چون علامه مجلسی، مرحوم فخرالمحققین، میرداماد، ملاصدرا، شیرازی و فقه مرحوم درچه‌ای و... داریم. کتاب‌هایی هم داریم که از لحاظ قدمت بسیار نفیس هستند و به سال‌های ۷۰۰، ۸۰۰ و ۹۰۰ برمی‌گردند. اخیراً هم کتابخانه شخصی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی را از ورثه خریداری کردیم و به کتابخانه ملحق نمودیم که بیش از ۶۰۰ نسخه خطی بسیار نفیس در بیش از ۲۰۰۰ عنوان می‌باشند. خوشبختانه فهرست کتاب‌های خریداری شده از کتابخانه شخصی آیت الله العظمی بروجردی تهیه شده است و با اشراف آیت الله استادی نیز فهرست تفصیلی کتابخانه مسجد اعظم در حال تدوین است که این مجموعه فهرست، می‌تواند نمایان‌گر ذخائر عظیم کتابخانه کنونی باشد. علاوه بر کتب خطی، بسیاری از کتب چاپی کمیاب و نیز نشریات و مجلات قدیمی، از زمان مشروطیت و حتی قبل از آن در کتابخانه موجودند که از آنها نسخه‌های متعدد و عکس تهیه شده است و عمده این کتاب‌ها، از کتب اهدایی مرحوم رضوانی است. هم‌چنین کتب خطی موجود، بنا به تقاضای سازمان یونسکو در حال ثبت در فهرست میراث جهانی می‌باشد.

-- برای آینده کتابخانه چه طرح‌هایی دارید؟

از آنجایی که ضرورتی ندارد کتاب‌های خطی در مکان فعلی نگهداری شوند، چون عکس این کتاب‌ها به مراجعان ارائه می‌شود، لذا ما نیاز به فضاهای وسیع‌تر و مطلوب‌تری داریم که هم مخزن کتاب‌های خطی باشند و هم ظرفیت ارائه خدمات بیشتری را داشته باشند. از این

بله. معمولاً در طرح‌ها و کارهایی که به ایشان ارتباط پیدا می‌کرد سعی می‌کردند یک بخش کار، کتابخانه باشد که نمونه آن، کتابخانه مدرسه نجف اشرف است. وقتی مدرسه نجف اشرف آغاز به کار کرد، آیت الله العظمی بروجردی کتابخانه را تأسیس کردند، که کتابخانه بسیار عظیمی است. البته کتابخانه‌های معظم دیگری مانند "مکتب‌الامام الحکیم" توسط آیت الله حکیم و "مکتبه امیرالمؤمنین علیه‌السلام" توسط علامه امینی تأسیس شدند، اما هیچ کدام به عظمت کتابخانه مدرسه نجف نبودند، به طوری که هنگام تخریب مدرسه و کتابخانه نجف توسط رژیم بعث، مرحوم آیت الله العظمی خوبی برای نجات این کتابخانه، افرادی را می‌فرستادند و به مأموران پول می‌دادند تا کتاب‌های کتابخانه مدرسه نجف را خریداری کنند و بیرون بیاورند. وقتی کتاب‌های خطی کتابخانه مدرسه نجف را که توسط آیت الله العظمی خوبی خریداری شده بود، احصا کردیم، حدود ۱۲۰۰ نسخه خطی بودند که بحمدالله الان تمام این نسخ خطی عکس‌برداری شده‌اند و جلد اول فهرست آن نیز منتشر شده است. مطمئناً در کنار تعداد بالای کتاب‌های خطی، حدود ده هزار جلد کتاب چاپی هم بوده و این همه، بیانگر آن است که این کتابخانه بسیار باعظمت بوده است. وقتی مدرسه علمیه کرمانشاه را هم ساختند، محلی را برای کتابخانه در نظر گرفتند و حتی مسجدی که به امر ایشان در ایران شهر بنا شد، کتابخانه‌ای را برای استفاده عموم مردم در کنار مسجد ساختند و هم‌چنین در بازسازی مدرسه خان نیز دستور دادند کتابخانه‌ای برای استفاده طلاب در نظر گرفته شود.

ایشان اصلاً به دنبال این نبودند که کارها به نام خودشان باشد، لذا کارهای ناتمام دیگران را تمام می‌نمودند و تقویت می‌کردند. برای مثال، حدود هزار جلد کتاب به کتابخانه مدرسه فیضیه اهدا کردند و قسمتی از مسجد اعظم را به عنوان سالن مطالعه در اختیار کتابخانه فیضیه گذاشتند. هم‌چنین کتابخانه‌های مدرسه حجیتیه و رضویه را نیز تقویت کردند. مرحوم آقای محقق نقل می‌کرد: معظم‌له وقتی تصمیم گرفتند مسجد هامبورگ را تأسیس کنند، دستور دادند کتابخانه‌ای در کنارش ساخته شود. این همه اهتمام ایشان به تأسیس و تقویت کتابخانه‌ها، بیانگر این است که ایشان یک کتاب‌شناس بودند و ارزش علمی و معنوی میراث مکتوب را می‌دانستند؛ لذا اهتمام داشتند که کتاب‌ها را بخرند و در میان کتابخانه‌ها تقسیم کنند تا فضایی حوزه به آسانی به منابع اصیل شیعه و آثار مکتوب بزرگان دسترسی داشته باشند. چاپ و عرضه بسیاری از آثار گذشتگان نیز در همین راستا، مورد اهتمام جدی ایشان بود و چون ایشان خودشان رنج عدم دسترسی به منابع پژوهشی را کشیده بودند، به ارزش بالای این کار به خوبی واقف بودند. از این رو، می‌بینیم از جمله اشتغالات علمی ایشان در دوران سی‌وشش ساله اقامت در بروجرد که کار بسیاری از اساتید و محققان را آسان نمود، کار رجالی، به خصوص در بخش اسناد و طبقات بوده که ایشان نسخه رجالی شیخ را نداشتند و چون به هیچ صورتی دسترسی به آن برایشان ممکن نبود، از روی کتاب‌های رجالی، متونی را که از رجال شیخ نقل شده بود جمع‌آوری و تنظیم کرده بودند و حواشی‌ای نیز بر آن دارند و بعدها که به مشهد مقدس مشرف شدند و این کتاب را در کتابخانه آستان قدس رضوی دیدند، خودشان فرموده بودند: من نسخه اصلی را با نسخه‌ای که خودم تنظیم کرده بودم، مقایسه کردم؛ چندان تفاوتی نداشت.

### توسعه و بازسازی کتابخانه با چه انگیزه‌ای صورت گرفت؟

کتابخانه مسجد اعظم، مجموعاً دو سالن مطالعه داشت که با راهرو، ۲۰۰ متر می‌شد. یک مخزن ۱۰۰ متری غیراستاندارد نیز داشت که حالت انباری به خود گرفته بود. وقتی ما کتابخانه را برعهده گرفتیم، قسمتی را سالن مطالعه قفسه‌باز محققان کردیم که در این میان با

کتابخانه مسجد اعظم قم که در صحن این مسجد شریف واقع شده است، از جمله یادگارهای ارزشمند مرجع عالی قدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی حاج سیدحسین طباطبایی بروجردی قدس سره الشریف است....

در این شماره بر آن شدیم تا در گفت‌وگویی با آیت الله علوی بروجردی -از نوادگان آن مرجع فقید- طلاب و فضلاء ارجمند را با تاریخچه تأسیس و امکانات این کتابخانه پیش از پیش آشنا کنیم. (مرکز خبر حوزه)

### آیت الله العظمی بروجردی با چه انگیزه‌ای اقدام به تأسیس این کتابخانه کردند؟ اگر خاطره‌ای در این زمینه دارید بفرمایید؟

مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، عنایت خاصی به آثار گذشتگان و حفظ این آثار داشتند و چون خودشان اهل تحقیق بودند، این آثار برایشان بسیار ارزشمند بود و همیشه درصدد بودند فضایی را برای اهل تحقیق به وجود بیاورند تا دسترسی محققان به همه منابع تحقیقی آسان باشد؛ لذا از بدو ورود به قم و به خصوص از آغاز مرجعیت عامه - یعنی بعد از ارتحال مرحوم آیت الله العظمی سیدابوالحسن اصفهانی قدس سره - نسبت به تأسیس و تقویت کتابخانه‌هایی در حوزه‌های علمیه قم، نجف اشرف و دیگر مراکز علمی اقدام کردند. اگر در دنیای تشیع عالم بزرگی از دنیا می‌رفت و کتابخانه او را در معرض فروش می‌گذاشتند، آیت الله العظمی بروجردی دخالت می‌کردند و خریداری می‌نمودند و می‌فرمودند: اینها آثاری هستند که اگر ما آنها را در اختیار نگیریم، دیگران آنها را می‌برند؛ لذا بعد از رحلت مرحوم حاجی نوری، ایشان اقدام نمودند و کتابخانه ایشان را خریداری کردند، به طوری که خیلی از کتاب‌هایی که در کتابخانه شخصی ایشان و مدرسه نجف هست، از کتاب‌های مرحوم حاجی نوری است. البته معظم‌له قبل از افتتاح کتابخانه مسجد، حدود ۱۷۰۰ جلد کتاب اهدا کردند. مرحوم لرزاده نقل می‌کردند: وقتی طراحی و ساخت مسجد اعظم را شروع کردیم، آیت الله العظمی بروجردی از ابتدا قصد ساختن کتابخانه در مسجد را نداشتند، اما بعد از طراحی ساختمان دستور دادند در همین محدوده مسجد، جایی را برای کتابخانه اختصاص بدهیم. آیت الله حاج آقا مصطفی خوانساری هم از قول مرحوم حضرت آیت الله العظمی بروجردی نقل می‌کردند که ایشان درصدد بودند کتابخانه بزرگی (جدای از مسجد) را در قم تأسیس کنند، تا آثار مکتوب خریداری شده، در آن کتابخانه نگهداری شوند و مردم هم، با توجه به این که چنین کتابخانه عظیمی زیر نظر مرجع تقلید شیعه است و مورد استفاده فضلا و محققان قرار دارد، تشویق شوند تا کتاب‌های خود را بفرشند و وقف آنجا کنند، ولی توفیق این کار را پیدا نکردند.

### این کتابخانه در چه زمانی افتتاح شد؟

نیمه شعبان ۱۳۸۰ قمری که قرار بود کتابخانه را افتتاح کنند و شعرا هم به همین مناسبت اشعار سروده بودند و قرار بود مرحوم حججه الاسلام والمسلمین فلسفی در این مجلس سخنرانی کنند، اما سحرگاه آن روز که معظم‌له برای وضوگرفتن آماده شده بودند، در اثر زمین‌خوردن از ناحیه پا آسیب دیدند و به علت شکستگی پا بستری شدند و موفق به افتتاح کتابخانه نگردیدند و قرار گذاشتند در روز هفتم شوال آن را افتتاح نمایند، اما شب هفتم شوال که در مسجد نماز خواندند، دچار عارضه انفکتوز شدند و پس از چند روز، به سبب همین عارضه در صبح پنجشنبه، ۱۳ شوال به دیار باقی شتافتند. پس از وفات آیت الله العظمی بروجردی، فرزند ایشان حججه الاسلام والمسلمین حاج سیدمحمدحسن طباطبایی بروجردی که متولی مسجد اعظم نیز بودند، کتابخانه را در روز ۲۷ شوال افتتاح کردند.

آیا کتابخانه‌های دیگری نیز از سوی آن مرجع عالی قدر، در ایران و یا خارج از ایران تأسیس شده است؟

## اکثر علمای اهل سنت معتقدند حضرت زهرا(س) دارای وسیع ترین شفاعت است

باز از حضرت سوال شد تفسیر کلمه فاطمه چیست؟ امام صادق(ع) فرمود یعنی نجات یافته و جدا شده؛ فاطمه از همه بدی ها جدا شده و کاملا پاک و مطهر است.

نکته دیگری که وجود دارد و متاسفانه کمتر به آن توجه می شود کتاب مصحف فاطمه زهرا(س) می باشد. این کتاب بر خلاف شایعه ای که برخی از دشمنان اهل بیت(ع) مطرح کردند که شیعیان دارای قرآن دیگری جدا از قرآن کریم می باشند و نام آن مصحف فاطمه می باشد. باید عرض کنم این گونه نیست، مصحف فاطمه(س) تفسیر و روایت است و قرآن نمی باشد. همچنان که خطبه فدکیه که یک سخنرانی زیبا، جالب و راهگشاست. این خطبه بین دوستان حضرت نیز مهجور است. محققان، تاریخ دانان و پژوهشگران باید روی دو موضوع مصحف و خطبه حضرت زهرا(س) کارکنند و یافته های خود را به جهانیان ارائه نمایند.

نکته پایانی اینکه فاطمه(س) عابدترین فرد در کل جهان هستی است و اجماع علمای اهل سنت نیز تاکید دارد که شفاعت حضرت زهرا(س) وسیع ترین شفاعت ها در روز قیامت است. از عایشه نقل کرده اند که گفته است من صادق تر از فاطمه(س) سراغ ندارم مگر پدرش.

یکی حضرت زهرا(س) و دیگری عمار بود که تعبیر روایت این است؛ تمام وجود حضرت فاطمه(س) لبریز از ایمان و عشق به خداست. ایمان به خدا و معاد از قلب و روح فاطمه(س) عبور کرده و تمام اعضا و جوارح او را در بر گرفته است.

در این مرتبه از ایمان است که می توان گفت تمامی اعمال فرد بر اساس اخلاص صورت می گیرد. بنابراین فاطمه(س) دارای اخلاص در عمل و گفتار بود. بر همین اساس پیامبر(ص) فرمود خشم فاطمه، خشم خداست و خشنودی او موجب خشنودی خداوند است. چگونه می شود که یک زن به این مرتبه از منزلت دست پیدا می کند؟!

نمایش حضرت صدیقه(س) نیز جای بحث دارد؛ نمازی که او می خواند باعث می شود تمام ملائک به تماشا نشسته و خداوند بر خود احسنت بگوید. بنابراین علم، عمل، اخلاص، محبت و... فاطمه(س) گنج است. امام کاظم(ع) فرمود اهل بیت(ع) از گنج علمی و معنوی مادران فاطمه زهرا(س) بهره مند هستند و این مایه افتخار امامان شیعه است.

امام صادق(ع) نیز فرمود؛ نه اسم نزد خداوند محفوظ است. آن نه اسم عبارت است از فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، راضیه، مرضیه، محدثه، بتول و زهرا.

کفار و مشرکین قرار می گرفت، این خانم، فاطمه زهرا(س) بود که به مدد پدر می شتافت و آثار جراحات و بی حرمتی را از جسم و چهره پیامبر خدا می زدود و بر همین اساس پیامبر بزرگوار اسلام لقب ام اییها را به ایشان عطا کردند.

ام اییها یعنی مادر پدر. از این جمله می توان این گونه برداشت کرد که حضرت صدیقه طاهره هر آنچه را که یک مادر به فرزند خود از لحاظ عطف و مهربانی عنایت می کند، حضرت فاطمه(س) به پدر عطا می کرد، پدری که طعم محبت مادر را در طول زندگی خیلی نچشیده است لذا دخترش با محبت نمودن، این خلا را پر کرد.

پس از رحلت پیامبر اسلام(ص) حضرت زهرا(س) بزرگترین پشتیبان و حامی خود را از دست داد و تنها دلخوشی او وجود همسرش حضرت علی(ع) و فرزندانش هستند. در آنجا نیز شما می بینید حضرت زهرا(س) حامی جانشین پیامبر است و تالحمظه ای که جان در بدن دارد دست از حمایت همسرش بر نمی دارد.

از آیت الله تسخیری سوال شد علت اینکه پیامبر(ص) فرمود ایمان و تقوا تمام وجود فاطمه(س) را در بر گرفته چیست؟ که چنین پاسخ داد: پیامبر(ص) این تعبیر را برای دو نفر به کار برد؛

آیت الله تسخیری دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در گفتگو با رسالت گفت: در خصوص مقام و منزلت حضرت زهرا(س) بسیار گفته و نوشته شده است اما از آنجا که این خانم از جایگاه رفیع و عظیمی نزد خداوند برخوردار است بر محققان و پژوهشگران است که بیشتر تحقیق کنند و لایه های پنهان شخصیت آن حضرت را نمایان کنند.

به اعتقاد من پژوهشگران و بخصوص علمای شیعه باید پاسخ این سوال را پیدا نمایند که چرا یک زن به این مرتبه از مقام بلند علمی و معنوی دست پیدا می کند و دارای عصمت می شود. فردی که با داشتن عمر کوتاه ولی پرپرکت، خدمات زیادی به بشریت نمود. در روایت آمده که فاطمه(س) سیده زنان عالم است، از پیامبر اعظم(ص) سوال شد مگر حضرت مریم سرور زنان نیست؟ رسول خدا(ص) پاسخ فرمود: او الگوی زنان عصر خود بود ولی فاطمه من سیده زنان اولین و آخرین است و مقام او بسیار رفیع می باشد.

هیچ کس مجاهدت ها و کوشش های حضرت زهرا(س) را از دوران کودکی تالحمظه شهادت، در راه اسلام و آرمان های پدرش، انکار نمی کند. در آن زمانی که اسلام غریب بود و پیامبر(ص) مورد هجوم

## مسلمین سنگال همواره به پیامبر و اهل بیت اش محبت داشته اند

روای آورده اند و گاهی مواقع والدین آنها از اینکار ما عصبانی هم می شوند.

آیت الله تسخیری نیز با اظهار خوشوقتی از شرایط خوب مسلمین کشور سنگال برای هرگونه همکاری از جمله ارسال کتب تقریبی و فقه، برگزاری اجلاس و برقراری کارگاه های آموزشی در آن کشور اعلام آمادگی کرد. آیت الله تسخیری گفت با علماس سنگال سابقه همکاری و مهم تر از آن دوستی و قرابت بسیاری داریم و همواره از شنیدن خبر سلامتی آنان و پیشرفت ایشان در تبلیغ اسلام خوشحال می شویم.

سنگال در ایران نیز گفت قبل از اینکه ایشان به ایران سفر کنند به شیخ گفته بودند اگر برای ساخت مسجد در کشور به همراهی و همفکری نیاز دارید، به جای رفتن به ترکیه، دبی، عربستان یا هر کشور دیگری به ایران بروید. وی افزود شیخ در کشور سنگال بسیار در گسترش اسلام همت گماشته آنچنان که حتی به فرزندان آمریکایی های ساکن در این کشور نیز قرآن آموخته است. شیخ تیجان سیسه با تایید صحبت سفیر کشورشان گفت برخی از این فرزندان آمریکایی ها حتی به حفظ قرآن

به اهل بیت ایشان ارادت و محبت خاصی دارند آنچنان که نام های محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین در میان فرزندان آنها بسیار به چشم می خورد. ژنرال الحاجی علیون سامبا، سفیر

مسلمانان در کشور سنگال و مدارس اسلامی این کشور پرداخت.

وی با خوب ارزیابی کردن شرایط مسلمین سنگال گفت مسلمانان این کشور به پیامبر عظیم الشان اسلام و نیز

## وحدت به مفهوم تکیه بر مشترکات بین مذاهب است

درعین حال پیروان مذاهب می توانند در موارد اختلاف با هم گفتگوی دوستانه و منطقی داشته باشند و ضروری به وحدت نمی زند و به هر حال شک نیست که دشمنان اسلام از تفرقه بین مسلمانان منافع زیادی می برند و شک نیست که شیعیان آمادگی بیشتری در زمینه وحدت از خود نشان داده اند.

شیرازی: بسمه تعالی شک نیست که همیشه مخصوصا در شرایط فعلی مسئله اتحاد و وحدت بین مذاهب از عوامل بسیار موثر در پیشرفت اسلام است و منظور از وحدت تکیه بر مشترکات بین مذاهب می باشد و مشترکات بین مذاهب اسلامی فراوان است، هر چند نمی توان حد دقیقی برای آن تعیین کرد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری تقریب، شیخ تیجان سیسه، فرستاده ویژه رییس جمهور سنگال به ایران و یکی از رهبران مذهبی این کشور در دیدار با آیت الله تسخیری به ارائه گزارشی از شرایط

آیت الله مکارم شیرازی، از مراجع تقلید شیعیان در پاسخ به سوال خبرنگاری تقریب در خصوص وحدت اسلامی جوابیه ای صادر کرد. خبرنگار تقریب:

× مفهوم وحدت چیست و اختلافات میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی چه تأثیری بر جامعه اسلامی دارد؟ جوابیه حضرت آیت الله مکارم

## بیانیه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

### در محکومیت کشتار مسلمانان در چین

سن کیانگ چین از حکومت چین انتظار دارد برخورد عادلانه ای با همه قومیت ها و نژاد هایی که این کشور را تشکیل می دهد داشته باشد و حقوق شهروندی مسلمانان را تامین نماید.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری تقریب، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی کشتار مسلمانان در سین کیانگ چین و سرکوب تظاهرات آنان را محکوم و طی بیانیه ای مراتب اعتراض خود نسبت به برخوردهای نژاد پرستانه و قومیت گرایی را اعلام نمود.

در این بیانیه آمده است:

امروز وظیفه کشورهای اسلامی است که در واکنش به حوادث اخیر متحد تر عمل کنند؛ زیرا سکوت در برابر این گونه وقایع نشان از بی تفاوتی به سیاست های ارزش گرا و حقوق بشری است در حالی که انسان ها در همه جا باید از حقوق انسانی خود برخوردار باشند و مورد ظلم و ستم قرار نگیرند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ضمن اظهار تأثر و تاسف شدید نسبت به حوادث اخیر در ایالت

## درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی

سپس نویسنده دیدگاه های خود را درباره جایگاه اهل بیت(ع) در میان امت اسلامی و نیز برخی جلوه های عینی علوم اهل بیت(ع) بیان کرده است. در پایان این فصل، دیدگاه های آیت الله سید محمد تقی حکیم به عنوان الگویی فکری در زمینه تقریب تبیین شده است.

نویسنده در فصل سوم کتاب به نقش و تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در تحقق وحدت اسلامی پرداخته است. نزاع انقلاب اسلامی و دشمنان آن درباره وحدت اسلامی، وحدت اسلامی با الهام از مناسبت تولد پیامبر(ص)، توطئه های استعماری علیه انقلاب و وحدت از جمله مباحث این فصل است.

فصل چهارم کتاب، تقریب راه تحقق وحدت است که در آن درباره شیوه ها و ادبیات تفاهم و تقریب بحث شده است. در این فصل همچنین شخصیت و دیدگاه های علامه سید محسن الامین، از طلایه داران تقریب مذاهب اسلامی، تشریح و استراتژی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی درج شده است.

مجموعه مقالات آیت الله تسخیری، دبیر کل مجمع جهانی تقریب که در کنفرانس های مختلف اسلامی ارائه شده، در کتابی با عنوان درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی چاپ گردیده است.

وی در این مقالات به گونه ای علمی و با توضیحات کافی و جامع درباره وحدت اسلامی و تقریب مذاهب بحث کرده و برای تحقق این امر، مسائل بنیادی آن را مورد تأکید قرار داده است.

کتاب مذکور از پیشگفتار ناشر، مقدمه و چهار فصل تشکیل شده است.

نویسنده در فصل اول، با اشاره به اینکه وحدت، رمز موفقیت و پیروزی مسلمانان است، نقش نماز جمعه و حج را در وحدت اسلامی تبیین کرده است.

در فصل دوم، ابتدا درباره قرآن کریم، سنت شریف نبوی(ص) و مرجعیت تفسیری ائمه اهل بیت(ع) درباره قرآن و سنت، به مثابه محورهای وحدت بحث شده،

### بعثت

**نشریه مرکز بررسیهای اسلامی**  
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

**صاحب امتیاز و مدیرمسئول:**  
**سید هادی خسروشاهی**

**دفتر مرکزی:**  
**قم: خیابان شهدا (صفائییه) نبش ممتاز**

**تلفنکس: ۷۷۴۱۴۲۳**

**صندوق پستی: ۱۳۶**

**لیتوگرافی: سپهر استر چاپ: سپهر**